انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۲۰۳

شنبه ۲۳ آبان ۱۴۰۵ و ۱۴ نوامبر ۲۰۲۶

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید!

حامی و همراه مردم بلوچستان هستیم!

کاظم نیک خواه

"ظلم، تبعیض علنی و نقض حقوق بشر.در بلوچستان، از مسائل دیرپا در صد سال اخیر جامعه ایران است. ظلم و ستمی که جمهوری اسلامی آنرا به نهایت خود رسانده است. اکثریت عظیم مردم ایران در فقر و محرومیت و زیر فشار ظلم و ستم روزمره به سر می‌برند. اما مردم بلوچستان با محرومیت‌های انباشته و تبعیض‌های مضاعفی نیز مواجه‌اند و ابعاد محرومیت و ستم و سرکوب در بلوچستان حتی با دیگر نقاط ایران قابل مقایسه نیست.

یکی از خونین‌ترین نمونه‌های این سرکوب، جمعه خونین زاهدان در ۸ مهر ۱۴۰۱ است که طی آن، نیروهای حکومتی به سوی مردم معترض آتش گشودند و شمار زیادی از شهروندان کشته و زخمی شدند. این واقعه نمادی از نقض حق حیات و امنیت مردم بلوچستان است که هر روز به اشکال مختلف جریان دارد..."

این جملات مدخل بیانیه ای است که تاکنون ۱۰۷ سازمان و نهاد و حزب و تشکل از آن حمایت کرده اند و جمع‌هایی از کارگران و دادخواهان از داخل کشور نیز به آن پیوسته‌اند. **"اقدام جهانی در حمایت از مردم بلوچستان"** یک اقدام ارزشمند و مهم و قابل ارج است و باید به آن پیوست و به هر شکل ممکن از آن حمایت کرد. ۱۴ آوریل مصادف با ۲۳ آبان روز حمایت از این مردم اعلام شده است. این روز را هر سال ارج می‌داریم و قاطعانه از مردم بلوچستان علیه حکام ستمگر و مرتجع حمایت می‌کنیم.

ما مردم همه زخم خورده‌ایم و از حکومت اسلامی جز تحجر و جنایت و چپاول نصیبی نبرده‌ایم. اما بیشترین ستم بر مردم بلوچستان روا می‌شود. مردم بلوچستان محروم‌ترین و تحت‌ستم‌ترین بخش مردم در این کشور هستند. این مردم با دنیایی از فقرو محرومیت و تبعیضات که میراث دیکتاتوری‌های پهلوی بوده پا به دوره جمهوری اسلامی گذاشتند و در این حکومت ضد انسانی نیز نصیبی جز تبعیض و رنج و فقر و اعدام نصیبشان نشده است. جمهوری اسلامی هر روز شماری از این مردم را تحت عناوین مختلف اعدام می‌کند، هر روز به شماری سوخت‌بر و کولبر یعنی

ادامه در صفحه ۲

بودجه حکومت: صورت‌حساب بحران بر دوش مردم

شهلا دانشفر

صفحه ۳

پشت پرده مساجد!

حسن صالحی

صفحه ۵

دلائل و زمینه‌های رنگ عوض کردن رضا پهلوی

مهران محبی

صفحه ۷

ترکیه در بحران: اقتدار سیاسی، بن‌بست...

سیاوش آذری

صفحه ۸

اطلاعیه ها

حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۹ تا ۱۴

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

صفحه ۱۵ و ۱۶

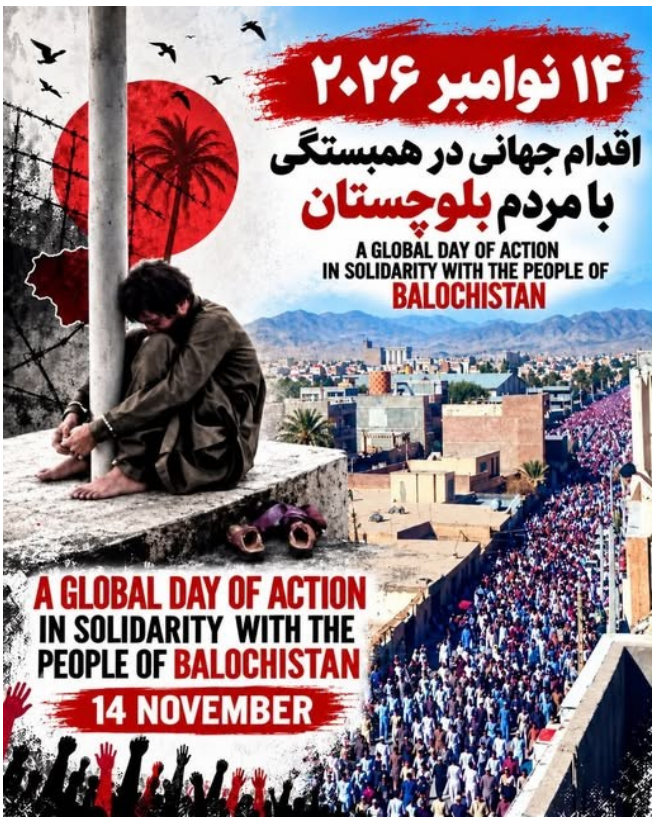
پیام‌های دریافتی به مناسبت سالگرد تاسیس حزب

صفحه ۱۷ تا ۲۰

ادامه از صفحه ۱

حامی و همراه مردم بلوچستان هستیم!

انسان‌هایی که برای تامین معاش خود به این شغل‌های پرمشقت روی آورده‌اند، شلیک می‌کند و آن‌ها را زخمی می‌کند یا به قتل می‌رساند، محرومیت اقتصادی و معیشتی در این منطقه از تمام مناطق دیگر بیشتر است، زیرساختهای زیستی و مسکونی و شهری در این منطقه از همه جا ضعیف‌تر و ابتدایی‌تر است. امکانات شغلی و رفاهی در این منطقه از همه جا محدودتر و کمتر است. گزارش‌های تکان دهنده‌ای از ابعاد فقر و وضعیت زندگی غیرقابل تحمل این بخش از مردم منتشر شده است و همه ما از ابعاد آن خبر داریم.



در عین حال ما همیشه شاهد همراهی مردم بلوچستان با خیزش‌ها و اعتراضات سراسری در این کشور بوده‌ایم که یک نمونه آن در انقلاب زن زندگی آزادی بود که تظاهرات‌ها و راهپیمایی‌های مردم زاهدان و دیگر مناطق بلوچستان و سیستان بسیار وسیع و چشمگیر بود. در شهرهای تهران و دیگر شهرها نیز شعارهایی نظیر "سنندج زاهدان، چشم و چراغ ایران" سر داده شد.

بگذار روز ۱۴ نوامبر مصادف با ۲۳ آبان بر تارک همبستگی سراسری مردمی در این کشور بدرخشد و مردم سیستان و بلوچستان که همیشه همراه و هم‌سنگر دیگر بخشهای مردم علیه جمهوری اسلامی بوده‌اند، بیش از هر زمان ببینند که ما مردم در سراسر کشور همانگونه که بیانیه می‌گوید "رنج مردم بلوچستان را رنج خود و مبارزه آنها را مبارزه خود می‌دانیم"، رنج آنها را بر نمی‌تابیم، ستم و تبعیضات بر آنها را بر نمی‌تابیم و در مقابله با کل تبعیضات و ستمگری‌ها کنار آنها ایستاده‌ایم. این صدا باید هرچه رساتر و سراسری‌تر بازتاب پیدا کند.

زنده باد همبستگی سراسری میان همه بخش‌های مردم! زنده باد زن زندگی آزادی!

۱۴ نوامبر ۲۰۲۶
اقدام جهانی در همبستگی با مردم بلوچستان

ظلم، تبعیض علنی و نقض حقوق بشر در بلوچستان، از مسائل دیرپا در صد سال اخیر جامعه ایران است. ظلم و ستمی که جمهوری اسلامی آن‌را به نهایت خود رسانده است. اکثریت عظیم مردم ایران در فقر و محرومیت و زیر فشار ظلم و ستم روزمره به سر می‌برند. اما مردم بلوچستان با محرومیت‌های انباشته و تبعیض‌های مضاعفی نیز مواجه‌اند و ابعاد محرومیت و ستم و سرکوب در بلوچستان حتی با دیگر نقاط ایران قابل مقایسه نیست.

یکی از خونین‌ترین نمونه‌های این سرکوب، جمعه خونین زاهدان در ۸ مهر ۱۴۰۱ است که طی آن، نیروهای حکومتی به سوی مردم معترض آتش گشودند و شمار زیادی از شهروندان کشته و زخمی شدند. این واقعه نمادی از نقض حق حیات و امنیت مردم بلوچستان است که هر روز به اشکال مختلف جریان دارد.

مردم بلوچستان از یک‌سو با مشکلات فاجعه‌باری همچون فقر، بیکاری، زیرساخت‌های ناکافی و دسترسی نابرابر به آب سالم، آموزش، بهداشت و خدمات عمومی روبه‌رو هستند و از سوی دیگر، با اعدام‌های گسترده، بازداشت‌های روزمره، برخوردهای خشونت‌آمیز نیروهای حکومتی، تیراندازی به سوخت‌بران، محرومیت کودکان و جوانان فاقد شناسنامه از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی و رنج و بی‌حقوقی مفرط زنان مواجه‌اند.

ما، امضاکنندگان این بیانیه، رنج مردم بلوچستان را رنج خود و مبارزه آنها را مبارزه خود می‌دانیم. ما اعلام می‌کنیم که دشمن مشترک و هدف مشترکی داریم و در مبارزه علیه جمهوری اسلامی و برای آزادی، برابری و برقراری یک جامعه انسانی در کنار هم می‌ایستیم. مبارزه مردم بلوچستان برای پایان دادن به ستم و سرکوب و تبعیض و دستیابی به یک زندگی انسانی، بخشی جدایی‌ناپذیر از مبارزه برای آزادی و رهایی همه ما مردم ایران از ستم و نابرابری و دفاع از آنان، دفاع از کرامت انسانی، عدالت و برابری برای همه مردم است.

ما خواهان پایان دادن به ظلم و جنایت علیه مردم بلوچستان و پایان دادن به تبعیض و محرومیت و تضمین آزادی‌های سیاسی و مدنی و برخورداری مردم بلوچستان از حقوق برابر و یک زندگی شایسته هستیم. ما خواهان پاسخگویی و محاکمه آمران و عاملان جنایت علیه مردم بلوچستان هستیم.

ما از همه أحزاب و سازمان‌های سیاسی، تشکل‌ها و نهادهای مدنی، فعالان اجتماعی و مدافعان حقوق انسان در ایران و در سراسر جهان دعوت می‌کنیم که با مشارکت در اقدام جهانی روز ۱۴ نوامبر ۲۰۲۶، صدای مردم بلوچستان باشند و همبستگی خود را با مردم تحت ستم بلوچستان هر چه بیشتر تحکیم کنند.

زنده باد همبستگی با مردم بلوچستان!

این بیانیه تاکنون به امضای ۱۰۷ حزب، سازمان، نهاد وافراد حقیقی و حقوقی رسیده است.

بودجه حکومت: صورت‌حساب بحران بر دوش مردم



شهلا دانشفر

بار دیگر بحث تنظیم بودجه سال آینده دولت در دستور کار قرار گرفته است. اما نکته اصلی اینجاست که اقتصاد بحران‌زده جمهوری اسلامی، با این حجم از بحران‌های انباشته، فساد ساختاری، رانت‌خواری و چپاولگری، عملاً از چارچوب یک بودجه متعارف برای اداره جامعه خارج شده است. در شرایطی که سیاست‌های جنگ‌افروزانه حکومت ادامه دارد و منابع اقتصادی کشور در معرض نابودی قرار گرفته، بحث بر سر تنظیم بودجه سال آینده بیش از هر چیز به تلاشی برای سرپا نگه داشتن حکومتی تبدیل شده که با بحران اقتصادی و اعتراض و نارضایتی گسترده مردم روبه‌روست.

بودجه سال ۱۴۰۶ نه طرحی برای اداره جامعه، بلکه برنامه‌ای برای تأمین هزینه‌های بقای حکومت، ادامه سیاست‌های نظامی و جنگ‌افروزانه، حفظ دستگاه سرکوب و تحمیل هرچه بیشتر بار بحران اقتصادی به دوش مردم است.

آنچه در دستور بودجه‌بندی حکومت قرار دارد، سرکیسه کردن بیشتر مردم برای تأمین هزینه‌های نظامی و حکومتی و تشدید تعرض به معیشت جامعه، تحت عنوان‌هایی چون "ثبات، تاب‌آوری و بازسازی" است. منبع اصلی تأمین این هزینه‌ها نیز افزایش فشار مالیاتی، محدود کردن حمایت‌های اجتماعی و کاهش هزینه‌های عمومی است.

در همین راستا، یکی از اولویت‌های اعلام‌شده در بخشنامه تهیه بودجه ۱۴۰۶، "تقویت بنیه دفاعی کشور و بهبود معیشت نیروهای مسلح" است. اولویت دیگر، بازسازی زیرساخت‌ها و ظرفیت‌های آسیب‌دیده اقتصادی، حفظ ظرفیت تولید و اشتغال در بخش خصوصی، تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام و جلب مشارکت بخش خصوصی در تأمین مالی پروژه‌ها، به‌ویژه در حوزه زیرساخت‌های انرژی است.

در کنار این موارد، بر انضباط مالی، صرفه‌جویی حداکثری در مخارج جاری دولت و بازنگری در هزینه‌های دستگاه‌های اجرایی تأکید شده است. در ظاهر، صحبت از حذف هزینه‌های کم‌اثر و افزایش بهره‌وری است، اما در شرایطی که حکومت هیچ برنامه‌ای برای تأمین نیازهای اساسی مردم ارائه نمی‌دهد، چنین سیاستی به معنای کاهش بیشتر اعتبارات خدمات عمومی و تشدید محرومیت اجتماعی است. نتیجه آن را در وضعیت نابسامان بیمه و درمان، فرسودگی جاده‌ها، زیرساخت‌های شهری و خدمات عمومی و محرومیت استان‌هایی می‌بینیم که با هر بارندگی در معرض سیل و ویرانی قرار می‌گیرند.

این اولویت‌بندی‌ها جهت‌گیری واقعی حکومت در تنظیم بودجه سال آینده را نشان می‌دهد: تأمین هزینه‌های دستگاه نظامی و حکومتی در اولویت است و زندگی و معیشت مردم همچنان باید هزینه بحران‌های حکومت را بپردازد.

منابع درآمدی بودجه؛ نفت در محاصره و مالیات بر دوش مردم

یکی از منابع اصلی درآمد دولت در بودجه، درآمد حاصل از فروش نفت است. اما درآمد نفتی جمهوری اسلامی اکنون با بحرانی بی‌سابقه روبه‌روست. بستن و مختل کردن مسیر تردد در تنگه هرمز از سوی جمهوری اسلامی در ادامه سیاست‌های جنگ‌افروزانه‌اش، و از سوی دیگر محاصره دریایی آمریکا علیه کشتی‌های مرتبط با صادرات ایران، دو عامل مهم محدود شدن صادرات نفت و کاهش درآمدهای نفتی حکومت هستند.

ابعاد بحران فروش نفت را می‌توان در اظهارات محمد قاسمی، معاون هماهنگی سازمان برنامه و بودجه، دید. او در ۱۸ آبان اعلام کرد که دولت باید برای تدوین بودجه سال ۱۴۰۶ حتی سناریوی صفر شدن درآمدهای نفتی را نیز در نظر بگیرد. به گفته او، جنگ از دو مسیر کاهش منابع درآمدی و افزایش هزینه‌ها بر بودجه تأثیر گذاشته و بودجه سال آینده ممکن است یکی از دشوارترین بودجه‌های کشور پس از ملی شدن صنعت نفت باشد.

بنابراین، مسئله فقط کاهش درآمد نفت نیست؛ حکومت هم‌زمان با کاهش منابع درآمدی، با افزایش هزینه‌های نظامی، امنیتی و بازسازی خسارت‌های جنگ نیز روبه‌روست.

از همین رو، در بخشنامه تهیه بودجه ۱۴۰۶ بر تأمین منابع مالی از راه‌هایی غیر از درآمدهای ناپایدار، به‌ویژه درآمد نفت، تأکید شده است. یکی از محورهای اصلی این سیاست، افزایش درآمدهای مالیاتی است.

در این زمینه، گسترش پایه‌های مالیاتی، شناسایی فعالیت‌ها و درآمدهایی که تاکنون مشمول مالیات نبوده‌اند یا کمتر از ظرفیت قانونی از آنها مالیات گرفته شده، بازنگری در معافیت‌های مالیاتی و افزایش وصول مالیات‌های قانونی در دستور کار قرار گرفته است.

به این ترتیب، دولت می‌خواهد بخشی از کسری درآمد نفتی خود را از جیب مردم و سرمایه‌داران خرد تأمین کند.

گسترش پایه‌های مالیاتی در اقتصادی که بخش بزرگی از مزدبگیران آن زیر فشار سنگین معیشتی قرار دارند، معنایی جز افزایش تعرض به درآمد و زندگی مردم ندارد. به‌ویژه آنکه مالیات فقط از طریق کسر مستقیم از حقوق دریافت نمی‌شود؛ بخش مهمی از بار مالیات‌های غیرمستقیم و مالیات بر مصرف نیز در نهایت از طریق افزایش قیمت کالاها و خدمات به مصرف‌کنندگان منتقل می‌شود.

در چنین شرایطی، هرگونه افزایش مالیات بر مصرف و کاهش معافیت‌ها، همراه با دیگر تعرضات معیشتی فشار بیشتری بر کارگران، بازنشستگان و حقوق‌بگیران وارد خواهد کرد.

حذف یارانه و کالابرگ؛ صرفه‌جویی از سفره مردم

محدود کردن پرداخت‌های حمایتی و بازنگری در فهرست دریافت‌کنندگان یارانه و کالابرگ یکی از گزینه های حکومت برای کاهش هزینه‌هایش است.

طبق گزارش‌های منتشر منتشرشده، پرداخت یارانه نقدی دهک‌های یک تا ۹ همچنان برقرار است، اما دهک دهم در معرض حذف قرار دارد. در مورد کالابرگ نیز معیارهای جدیدی برای شناسایی خانوارهای مشمول اعلام شده است.

بر اساس اظهارات یعقوب اندایش، معاون رفاه و امور اقتصادی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، سقف درآمد ماهانه برای خانوارهای یک تا سه‌نفره ۲۰ میلیون تومان و برای خانوار چهارنفره ۲۷ میلیون تومان تعیین شده است. به ازای هر عضو اضافی نیز هفت میلیون تومان به این سقف افزوده می‌شود. علاوه بر درآمد، اطلاعات مربوط به دارایی، املاک، خودرو و تراکنش‌های بانکی نیز در ارزیابی وضعیت خانوارها مورد توجه قرار می‌گیرد.

این ارقام وقتی معنای واقعی خود را نشان می‌دهند که با هزینه واقعی زندگی مقایسه شوند. از جمله طبق برآوردهای منتشرشده از هزینه زندگی یک خانوار کارگری در ماه‌های اخیر به حدود ۹۰ تا ۱۰۰ میلیون تومان رسیده است. شورای بازنشستگان ایران نیز در برآوردی در مردادماه، هزینه زندگی شایسته یک خانوار چهار نفره در تهران را بیش از ۱۵۰ میلیون تومان اعلام کرده بود.

بنابراین، معیار قرار دادن درآمد ۲۰ یا ۲۷ میلیون تومانی برای حذف کالابرگ، در شرایطی که هزینه‌های واقعی زندگی چندین برابر این ارقام است، چیزی جز محروم کردن بخش بیشتری از مردم از همین چندرغاز پول و نابودی بیشتر معیشتی مردم نیست.

بودجه سال آینده و دستمزد کارگران

یکی از مهم‌ترین عرصه‌های تعرض حکومت به معیشت مردم، تعیین دستمزدهاست.

ایران در زمره کشورهایی است که

ادامه از صفحه ۴

ادامه از صحفه ۳

بودجه حکومت: صورت‌حساب بحران بر دوش مردم

ارزش دستمزد نیروی کار در آن به‌شدت سقوط کرده است. کاهش ارزش ریال، افزایش مداوم قیمت دلار و وابستگی قیمت بسیاری از کالاها و خدمات به نرخ ارز، قدرت خرید مزدبگیران را به‌شدت پایین آورده است. کارگران از نرخ تورم ۳۰۰ درصدی صحبت میکنند. "هزینه‌ها دلاریه، حقوق ما ریالیه" به یکی از شعارهای اعتراضی کارگران، بازنشستگان و بخش‌های مختلف جامعه تبدیل شده است. این شعار به‌روشنی شکاف عمیق میان درآمد و هزینه‌های زندگی را بیان می‌کند.

در طرح بودجه سال آتی بر اولویت‌بندی حقوق و دستمزدها تاکید شده است. اما منظور این جانیان مفتخور از این نوع اولویت‌بندی، بهبود معیشت نیروهای مسلح و پروار کردن نیروی سرکوب است. و تا آنجا که به بحث افزایش دستمزد کارکنان دولت برمی‌گردد باز هم با سرکوب مزدی کارگران و خالی کردن آخرین لقمه نان از سفره مردم روبه‌روییم. از جمله در بحث اولیه بر سر بودجه سال آتی "افزایش" ۳۵ درصدی حقوق کارکنان دولت طرح شده است. که به صورت پلکانی خواهد بود. یعنی حقوق‌های پایین‌تر درصد افزایش بیشتری داشته باشند و به سایر سطوح مزدی میزان درصد کمتری "افزایش" تعلق می‌گیرد.

اعلام میزان "افزایش" دستمزد کارکنان دولت برای سال آتی یک سیاست هرساله حکومت برای بازارگرمی به عنوان مبنایی برای بحث و چانه‌زنی بر سر میزان افزایش دستمزدها در شورای عالی کار و تدارک تعرضی دوباره به زندگی و معیشت کارگران و کل جامعه است.

برای درک ابعاد این فاجعه کافی است به آمار رسمی تورم نگاه کنیم. طبق گزارش مرکز آمار ایران، قیمت سبد کالاها و خدمات مصرفی در مهرماه نسبت به مهر سال گذشته به‌طور متوسط ۸۸,۷ درصد افزایش یافته است. کارگران از نرخ سبد ۱۵۰ میلیونی سخن میگویند.

در چنین شرایطی، افزایش ۳۵ درصدی حقوق، به معنای کاهش جدی قدرت خرید کارکنان دولت خواهد بود. این افزایش نه جبران‌کننده گرانی‌های گذشته است و نه مانع سقوط بیشتر سطح زندگی در سال آینده.

جالب اینجاست که حتی در درون مجلس نیز مخالفت با این رقم مطرح شده است. احمد فاطمی، عضو کمیسیون تلفیق، افزایش ۳۵ درصدی را در برابر تورم رسمی غیرقابل قبول دانسته و تهدید کرده است که در صورت ارائه چنین پیشنهادی، مجلس با آن مخالفت خواهد کرد. رحیم زارع، نماینده دیگر مجلس، نیز افزایش حداقل ۵۰ درصدی حقوق را پیشنهاد کرده است. خودشان هم می‌دانند که این ارقام در برابر فاجعه رشد تورم و گرانی‌های سرسام‌آور هیچ نیست. ترسشان نیز از انفجار اجتماعی به خاطر وضعیت بد معیشتی در جامعه است.

در این میان سخنگوی وقیح دولت نیز با بیشرمی تمام می‌گوید: هیچ قولی درباره افزایش حقوق در نیمه دوم سال داده نشده است. اما پاسخ مردم روشن است. مردم هم هیچ قولی نداده‌اند که زیر این بساط توحش و بردگی نزنند.

این چنین است که امروز بحث بر سر دستمزد و معیشت بیش از هر وقت به یک موضوع مهم سیاسی روز و جنگ کارگران و کل جامعه با حکومت تبدیل شده است.

کارگران و مزدبگیران جامعه به حداقل دستمزد تحقیر آمیز چندین بار زیر خط فقر که هیچ رابطه‌ای با نرخ واقعی سبد معیشتی ندارد تن نخواهند داد. طرح بودجه حکومت و میزان دستمزدی که برای کارگران رقم زده می‌شود رابطه کارگران و مردم را با این حکومت تعیین نمی‌کند. مردم معترض کل این بساط جهنمی را به چالش می‌کشند.

خواست‌های فوری معیشتی مردم چیست؟

در ایران امروز دستمزد و معیشت؛ مسئله‌ای سیاسی و اجتماعی است. سقوط سطح زندگی، دیگر فقط به معنای حذف برخی کالاها از سبد خرید خانوار نیست. کودکان بیشتری از تحصیل محروم می‌شوند، خانواده‌ها از تأمین هزینه درمان بازمی‌مانند، بیماران به دلیل گرانی دارو درمان خود را نیمه‌کاره رها می‌کنند و بازنشستگانی که پس از سال‌ها کار و پرداخت حق بیمه باید دوران آرامش و آسایش خود را سپری کنند، برای تأمین ابتدایی‌ترین نیازهای زندگی درمانده‌اند.

خانواده‌هایی که روزگاری با درآمد خود زندگی را اداره می‌کردند، اکنون برای خرید گوشت، میوه، دارو و حتی اقلام ضروری سفره‌شان ناچار به حذف و صرفه‌جویی‌های دردناک شده‌اند.

بازنشسته‌ای که تمام عمر کار کرده و حق بیمه پرداخته است، چرا باید در دوران بازنشستگی نگران هزینه درمان و تأمین غذای روزانه خود باشد؟ چرا کارگری که تمام عمر نیروی کار و توان خود را در تولید ثروت جامعه صرف کرده، باید با دستمزدی زندگی کند که حتی کفاف بخش کوچکی از هزینه‌های ضروری خانواده‌اش را نمی‌دهد؟

این وضعیت نتیجه مستقیم سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی حکومت است. حکومتی که منابع جامعه را صرف هزینه‌های نظامی و امنیتی، رانت‌خواری و منافع باندهای حکومتی می‌کند، اکنون می‌خواهد در ادامه چپاولگری‌هایش، هزینه اقتصاد نابود شده خود را از طریق مالیات بیشتر، تعرضات معیشتی بیشتر و سرکوب دستمزدها از مردم بگیرد.

پاسخ فوری به این وضعیت، اعتصابات و اعتراضات سراسری حول خواست‌های سراسری است. همان خواست‌هایی که به فریاد شعارهای اعتراضی مردمی در کف خیابان و بیانیه‌های اعتراضی بخش‌های مختلف کارگری تبدیل شده است. این خواست‌ها عبارتند از:

-توقف جنگ‌افروزی‌ها و هزینه‌های جنگی و نظامی و قطع بودجه دستگاه‌های سرکوب و نهادهای انگلی و غیرضروری حکومتی.

-لغو حقوق‌ها و مزایای نجومی مقامات و مدیران و پایان دادن به رانت‌خواری و چپاول منابع عمومی.

-افزایش فوری دستمزدها و حقوق بازنشستگان متناسب با هزینه واقعی زندگی و تأمین یک زندگی شایسته.

-تعیین حداقل دستمزد بر اساس سبد واقعی معیشت و نه بر مبنای توان مالی و ملاحظات سودآورانه دولت و کارفرمایان.

-درمان و آموزش رایگان و باکیفیت برای همگان.

-تأمین مسکن مناسب و ارزان و ایجاد تسهیلات واقعی برای دسترسی همگان به مسکن.

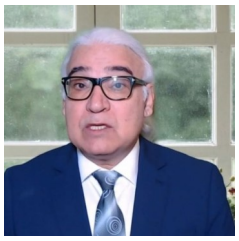
-تضمین بیمه بیکاری مکفی و حمایت اجتماعی از همه افراد بیکار و خانواده‌های کم‌درآمد.

خیزش مردمی در دی‌ماه ۱۴۰۴ بر سر زندگی و معیشت در امتداد انقلاب زن زندگی آزادی بود. اعتراضات گسترده بر سر معیشت و فضای ملتهب جامعه چشم‌انداز به میدان آمدن گسترده مردم برای رهایی از جهنم جمهوری اسلامی را پیش رو قرار داده است. جمهوری اسلامی از وحشت به میدان آمدن دوباره مردم است که بی‌رحمانه سرکوب و اعدام می‌کند. در کنار خواست‌های فوری معیشتی اتحاد سراسری علیه زندان و اعدام یک ضرورت فوری برای هموار کردن راه به پیروزی رساندن انقلاب ناتمام ماست. در همین راستاست که امروز کانون صنفی معلمان در تهران در اعتراض به موج فزاینده اعدام‌ها حمایت خود را از کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام اعلام می‌کند و فعالین و همه معترضین به اعدام را به هم‌اندیشی برای مقابله علیه اعدام‌ها فرامی‌خواند.

یک تاکید مهم ما بر اتحاد عملی تمامی فعالین کارگری و اجتماعی بر سر این خواست‌ها با هدف رفتن به سوی اعتراضات و اعتصابات سراسری است.

و آخرین نکته جایگاه تشکل و تحزب در این اوضاع متحول سیاسی است. لب و اساس این نکته را یکی از بازنشستگان در رشت بیان کرد. او گفت "حکومت‌های مستبد تلاش کرده‌اند که فرهنگ تحزب و سیاست‌ورزی از طریق احزاب را از جامعه ایران بزدایند، برای اینکه اگر حزب باشد، اگر روزنامه‌ای باشد، اگر شرایطی باشد که حرفی بزنند، حکام دیگر نمی‌توانند بیداد کنند". و در آخر بر نیاز به تحزب و تشکل تاکید می‌کند.

پشت پرده مساجد!



حسن صالحی

حدود ۱۴ سال پیش، یکی از مشهورترین برنامه‌های تلویزیون سوئد به نام "بررسی ماموریت"(Uppdrag granskning) با پخش گزارشی تحت عنوان "پشت پرده مساجد"، افشا کرد که چگونه امامانی که خود را نماینده مردم منتسب به اسلام می‌دانند، در برابر دوربین مخفی آشکارا از مواضعی ضدزن و ضدانسانی دفاع می‌کنند. از جمله، با دفاع از چندهمسری اعلام می‌کردند که زنان حق ندارند به درخواست‌های جنسی همسرانشان "نه" بگویند. به زنان اکیداً توصیه می‌کردند که اگر از سوی همسرانشان مورد ضرب‌وشتم قرار گرفتند، به پلیس شکایت نکنند و عملاً از کتک زدن زنان توسط شوهرانشان دفاع می‌کردند.

چهارده سال پس از آن گزارش، تلویزیون سوئد بار دیگر به سراغ مساجد رفته و به نتایج تکان‌دهنده‌ای دست یافته است. خبرنگاران این تلویزیون با استفاده از دوربین مخفی به ۱۵ مسجد در نقاط مختلف سوئد مراجعه کرده و با معرفی خود به‌عنوان مردانی متأهل که قصد ازدواج با زن دیگری را دارند، از مسئولان مذهبی درباره امکان انجام عقد ازدواج دوم پرس‌وجو کرده‌اند.

نتیجه این تحقیقات تکان‌دهنده است: در حالی که مسئولان شش مسجد با این درخواست مخالفت کرده و به قوانین سوئد استناد کرده‌اند، در ۹ مسجد، امامان، شیخ‌ها و مشاوران مذهبی یا برای انجام عقد ازدواج دوم اعلام آمادگی کرده‌اند یا متقاضیان را به افرادی معرفی کرده‌اند که حاضر به انجام چنین مراسمی هستند. در برخی موارد، پیشنهاد دریافت پول برای انجام این عقد مذهبی مطرح شده است.

در یکی از موارد، امام مسجدی در اوپسالا با استناد به قرآن با ازدواج دوم موافقت کرده است. در موردی دیگر، یکی از مسئولان مذهبی پیشنهاد کرده است که برای برگزاری مراسم، شاهدانی فراهم کند که مرد متقاضی را نشناسند.

موضوع افشاگری‌ها تنها به ترویج چندهمسری محدود نمی‌شود. در بخش دیگری از این تحقیقات، توصیه‌هایی مطرح می‌شود که هدف آن محدود کردن ارتباط زنان و فرزندان خانواده با جامعه بیرون از محیط مذهبی خود است. در مسجد استنهاگن در اوپسالا، یک شیخ به مردی که نقش خبرنگار را بازی می‌کرد توصیه می‌کند همسرش را پی‌درپی باردار کند تا آن‌قدر گرفتار فرزندان شود که فرصت معاشرت با دیگران را نداشته باشد. در شهر دیگری به نام "هالمستاد" نیز یک شیخ توصیه می‌کند فرزند خانواده را چنان سرگرم نگه دارند که فرصت ارتباط با دوستان سوئدی و یهودی خود را پیدا نکند.

سؤالی که اکنون با آن روبه‌رو هستیم این است که پس از گذشت ۱۴ سال، چه چیزی در سوئد تغییر کرده است؟ گزارش اخیر تلویزیون سوئد نشان می‌دهد که نه‌تنها از این نظر چیزی تغییر نکرده، بلکه وضعیت بدتر هم شده است. دولت سوئد در سال ۲۰۰۸ طرحی مضحک را با عنوان آموزش "امامان مساجد" مطرح کرد تا به زعم خود با "افراطی‌گری اسلامی" مقابله کند. ما همان زمان نیز گفتیم که مسئله اصلاً این نیست که گویا ملاهای ساکن اروپا به زبان و فرهنگ کشوری که در آن

ادامه در صفحه ۶



ادامه از صفحه ۵

پشت پرده مساجد!

زندگی می‌کنند تسلط ندارند یا با ارزش‌ها و هنجارهای جوامع غربی آشنا نیستند.. مسئله این است که این جماعت، هرچه باشند و هر جا که باشند، از ارزش‌هایی دفاع می‌کنند که ضد زن و کلا ناقض حقوق انسانی است.

قوانین شرع اسلام که این امامان سنگ آن را به سینه می‌زنند، مجموعه‌ای از احکام و مقررات است که بر اساس آن زنان ممکن است سنگسار شوند، همجنس‌گرایان مستحق مجازات اعدام شناخته می‌شوند، زن در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی با شرایطی نابرابر و فرودست روبه‌رو است و شکنجه، قصاص و اعدام از ارکان آن به شمار می‌روند. طبق آیه‌های قرآن مردان می‌توانند در صورت نافرمانی زنان، آنان را کتک بزنند و... این قوانین سراپا تبعیض‌آمیز و ضدانسانی‌اند. از این رو، عجیب نیست که امامان مساجد در سوئد از چندهمسری دفاع می‌کنند و علیه جامعه رنگین‌کمانی و یهودیان نفرت‌پراکنی می‌کنند و به فرهنگ "ناموس‌پرستی" که به قتل زنان و دختران منجر می‌شود دامن می‌زنند. امامان و افراد همدست آنها در مساجد و خارج از مساجد متعلق به جنبش اسلام سیاسی هستند و مروج همه خشونت‌هایی هستند که امثال جمهوری اسلامی و طالبان علیه جامعه و به‌ویژه زنان و کودکان در کشورهای خودشان مرتکب می‌شوند. همین‌ها زمینه جذب نیرو برای فعالیت‌های تروریستی و جاسوسی را نیز فراهم می‌کنند.

آنچه امروز در سوئد شاهد آن هستیم، حاصل سال‌ها سازش و مماشات با جریان‌های اسلامی تحت عنوان "احترام به مذاهب" است. ما، فعالان حقوق زنان و کودکان و مدافعان سکولاریسم، بارها به دولت و مقامات سوئدی درباره رواج چنین عقایدی در مساجد و تبدیل شدن این مراکز به پایگاه‌هایی برای سربازگیری نیروهای اسلام‌گرا هشدار داده‌ایم. همچنین تأکید کرده‌ایم که دولت نباید با پرداخت کمک‌های مالی از محل مالیات شهروندان، این مراکز را تقویت و لانسه کند. با این حال، متأسفانه اقدام مؤثری در این زمینه صورت نگرفت.

از سوی دیگر، سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی دولت نیز در شکل‌گیری مناطق محروم و جداافتاده، تمرکز فقر و گسترش گتوسازی، زمینه رشد و نفوذ جریان‌های اسلامی را فراهم کرده است. تبعیض در بازار کار و آموزش و محرومیت از امکانات برابر، به انزوای اجتماعی بخش‌هایی از جامعه دامن زده و میدان فعالیت بیشتری برای نهادهای مذهبی و جریان‌های اسلام سیاسی ایجاد کرده است. مقابله با نفوذ این جریان‌ها بدون مقابله با گتوسازی، فقر و نابرابری اجتماعی امکان‌پذیر نیست.

در عین حال، مبارزه ما علیه اسلام سیاسی مرزبندی روشنی با راسیسم و راسیست‌هایی دارد که عمدتاً با پرچم مذهب مسیحیت و نژاد و میهن، مسلمانان و مهاجران را هدف حملات خود قرار می‌دهند. واقعیت این است که زنان و کودکان و حتی بسیاری از پسران جوان در خانواده‌های منتسب به اسلام، خود قربانی مناسبات پدرسالارانه و سرکوبگرانه‌ای هستند که اسلام سیاسی ترویج می‌کند. جریانات راسیستی نه جنبش اسلام سیاسی بلکه مردم منتسب به اسلام را به‌طور کلی هدف قرار می‌دهند. این رویکرد نژادپرستانه، روی دیگر سکه اسلام سیاسی است و هیچ ارتباطی با مبارزه علیه این جریان ارتجاعی ندارد. این دو جریان از وجود یکدیگر تغذیه می‌کنند، به یکدیگر نیرو می‌دهند و عملاً به تقویت یکدیگر کمک می‌کنند. مبارزه ما علیه اسلام سیاسی، مبارزه‌ای برای دفاع از حقوق اجتماعی و انسانی همه انسان‌هاست؛ مبارزه‌ای که با اتکا به همین اصول، هم‌زمان علیه اسلام سیاسی و راسیسم پیش می‌رود.

آنچه امروز در سوئد و دیگر کشورهای اروپایی جریان دارد، اساساً آزمونی برای سنجش میزان تحمل جامعه در برابر همزیستی عقاید و باورهای مختلف نیست. بدیهی است که در یک جامعه آزاد و باز، همه عقاید و باورها باید از حق ابراز وجود برخوردار باشند. مسئله اینجاست که دولت و جامعه نمی‌توانند به نام احترام به مذهب، در برابر نقض حقوق انسانی و پایمال شدن حقوق بخشی از شهروندان خود بی‌تفاوت بمانند.

اکنون وقت آن فرا رسیده است که مردم سوئد، نیروهای مترقی و پیشرو، سازمان‌های زنان، اتحادیه‌های کارگری و نهادهای مدنی از دولت بخواهند که به مماشات با نهادهای مروج تبعیض و خشونت پایان دهد، با گتوسازی و نابرابری اجتماعی مقابله کند و آزادی و حقوق برابر همه شهروندان را تضمین کند. ساختن جامعه‌ای سالم، آزاد و برابر، هم به مقابله با اسلام سیاسی و مناسبات ارتجاعی آن نیاز دارد و هم به ایستادگی قاطع در برابر راسیسم و نژادپرستی.

در این رابطه، اقدامات متعدد و متفاوتی لازم است که برخی از آن‌ها را در اینجا فهرست می‌کنیم:

۱ـ ممنوعیت هرگونه حمایت مالی، مادی و معنوی دولت و نهادهای دولتی از مذهب، فعالیت‌ها، نهادها و فرقه‌های مذهبی.

۲.ممنوعیت مدارس مذهبی.

۳.مصونیت کودکان از هرگونه دست‌اندازی مادی و معنوی مذاهب و نهادهای مذهبی؛ ممنوعیت جذب کودکان در فرقه‌های مذهبی و شرکت دادن آنان در مراسم و فعالیت‌های مذهبی.

۴.ممنوعیت حجاب کودکان.

۵.ممنوعیت ختنه کودکان.

۶.ممنوعیت ازدواج کودکان و تعیین مجازات برای کسانی که کودکان را به چنین اقدامی سوق می‌دهند.

۷.وضعیت دختران و پسران جوانی که به دلیل انتخاب شیوه زندگی خود از سوی بستگانشان مورد تهدید قرار می‌گیرند، باید به‌طور جدی پیگیری شود. باید خانه‌های امن در اختیار آنان قرار گیرد و تهدیدهای صورت‌گرفته از سوی پلیس مورد رسیدگی قرار گیرد.

۸.مقابله با گتوسازی، جدایی اجتماعی و اقتصادی و تبعیض در دسترسی به مسکن، آموزش و بازار کار و فراهم کردن امکانات برابر برای همه شهروندان.

۹.مقابله قاطع با راسیسم، نژادپرستی و هرگونه تبعیض علیه مهاجران و مردم منتسب به اسلام.

تحرکات ضد انسانی جریانات اسلامی و مذهبی بطور کلی، و همچنین جریانات نژادپرست نیاز به اقداماتی همه جانبه هم از سوی دولت و هم مردم را طلب می کند.

اساس سوسیالیسم انسان است!

دلائل و زمینه‌های رنگ عوض کردن رضا پهلوی

مهران محبی

رضا پهلوی که چند روز پیش برای دریافت جایزه آزادی بنیاد فردریش نأومان به فرانکفورت آلمان رفته بود، بعد از دریافت این جایزه پشت تریبون رفت و سخنرانی کوتاهی کرد. او در این سخنرانی طبق معمول به تکرار حرف‌های بی‌اساس و پرتناقضی. پرداخت که موضوعیت چندانی برای موشکافی ندارند. او همیشه و در هر زمان و به هر مناسبتی از این افاضات بر زبان آورده و برای جذب طرفدار توهم‌آفرینی کرده است. اما اینبار فراتر از دروغگویی‌های همیشگی‌اش تلاش کرد یک چهره متفاوت از خود نشان دهد.

رضا پهلوی در این مراسم یکباره نه تنها طبق معمول از جنگ و حملات نظامی آمریکا و اسرائیل به زعم خودش به عنوان حملات بشردوستانه برای رهایی مردم از جمهوری اسلامی دفاع نکرد، بلکه رنگ مخالفت بر چهره زد و یک سابقه دروغین برای خود ساخت. طرفدار جنگ و التماس کننده تا دیروز از ترامپ و نتانیاهو برای ریختن بمب بر سر مردم در کنار هدف قرار دادن سران و مکان‌های سیاسی و نظامی حکومت، یکباره زبان عوض کرد و گفت: "من همواره به جای جنگ و مماشات از راه سومی دفاع کرده‌ام که بر اعمال حداکثر فشار بر جمهوری اسلامی و همزمان حمایت حداکثری از مردم ایران استوار است"!

این یک چرخش سیاسی نیست. رضا پهلوی به قول خودش تاکتیک عوض کرده و هرگاه دوباره شرایط یکی دو ساله گذشته یا شبیه آن تکرار شود، او هم تاکتیکش را به حالت قبل باز خواهد گرداند و باز هم خواهان حمله نظامی خواهد شد تا شاید وی را به هر قیمت و هزینه‌ای برای سلطه و کنترل زندگی مردم به تاج و تخت برسانند. این یک رنگ عوض کردن و فرصت‌طلبی بی‌شرمانه است.

اگر رضا پهلوی تا همین چندی پیش طرفدار حمله نظامی بود و اتفاقا توصیه می‌کرد که باید خیلی سنگین‌تر و وسیع‌تر به زیرساخت‌های اقتصادی و انرژی حمله شود تا به اصطلاح رژیم را از نظر توان اقتصادی ضعیف‌تر کنند، علتش این بود که ترامپ و نتانیاهو هنوز از موقعیت‌های برتری در هیئت‌های حاکمه آمریکا و اسرائیل برخوردار بودند و رضا پهلوی همچنان امیدوار بود بتواند لطف آن‌ها را متوجه خود کند. او تا قبل از شکست‌های انتخاباتی نتانیاهو و ترامپ قدرت مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی را به حساب نمی آورد و مدعی بود که رژیم فقط با دخالت نظامی سرنگون می‌شود که آن هم در گرو ایفای نقش بلامنازع خود در ترغیب ترامپ و نتانیاهو است. البته در کنار این ادعاها بعد از آتش‌بس جنگ ۳۹ روزه ناچار بود برای جلوگیری از شدت بی‌اعتباری‌اش در فضای سیاسی داخل (اعتباری که با اتکاء به توهم‌آفرینی‌هایش در میان بخشی از جامعه کسب کرده بود) گاهی به لفاظی و زیگزاگ کلامی متوسل شود.

بعد از جنگ ۳۹ روزه خیلی سریع سیل انتقادات و سؤلات همان بخشی که تحت تأثیر توهم‌آفرینی‌های رضا پهلوی و طرفدارانش امیدوار شده بودند به آزادی خواهند رسید، به راه افتاد و کل جریانشان را زیر فشار گذاشت. آتش‌بس، پوچ بودن همه وعده‌ها و ادعاهای رضا پهلوی و جریانش را آشکار کرد و باعث ریزش در صفوفشان و بی‌اعتباری شدیدشان در داخل شد و از آن مقطع به بعد بود که علی‌رغم ادامه اصل سیاست نادیده گرفتن قدرت و عاملیت مردم برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی، گاهی زیر فشار افکار عمومی و توجیه ناکامی تبلیغات متوهمانه جنگی‌شان، در ضرورت نقش مردم به موازات حملات نظامی حرف‌هایی می‌زدند.

بحران سیاسی رضا پهلوی و جریانش از آن زمان روزبه‌روز در داخل عمیق‌تر شد و امروز با تغییراتی که در تقسیم‌بندی قدرت در ساختار حاکمیتی آمریکا و اسرائیل در ارتباط با جنگ با جمهوری اسلامی پیش آمده و ممکن است اوضاع را طوری رقم بزند که به کلی به ضرر سلطنت‌طلبان تمام شود، تقریبا به اوج رسیده است. طبعا رضا پهلوی و مشاوران ارشدش باید فکر و چاره‌ای برای حل بحران سیاسی و



مشروعیتی خود بکنند. دیگر نمی‌توانند با ادامه لفاظی‌های تاکنونی در حاشیه خود دام توهم‌شان را همچنان بگسترانند. کسی. دیگر از ایشان نمی‌پذیرد که کشتار و خانه‌خرابی‌های مردم و نابودی زیرساخت‌های ضروری برای ادامه حیاط جامعه، تلفات جنگ است و از این مزخرفات نوع جمهوری اسلامی تحویل بدهند.

در نتیجه باید متناسب با موقعیت تضعیف‌شده و بی‌اعتباری روزافزون‌شان، تاکتیک تبلیغاتی و عوام‌فریبی‌شان را عوض کنند و فعلا کمی خود را با دوران قبل از تضعیف شدن موقعیت ترامپ و نتانیاهو متفاوت نشان دهند. "رهبر انقلاب ملی" مجبور است مانند خمینی جام زهر سر بکشد و دروغی اینچنین شرم‌آور بگوید تا شاید مورد نقد و رویگردانی خانواده‌هایی که عزیزان شان قربانی جنگی شده‌اند که او آن را دخالت بشردوستانه برای رهایی مردم می‌نامید، قرار نگیرد. اما این نوع تلاش‌ها بیهوده و عبث هستند و نمی‌توانند حقایق را آن هم در عصر دیجیتال و اینترنت که همه حقایق و وقایع ریز و درشت را ثبت می‌کنند، پنهان یا انکار کنند.

او همچنان نفسش به نفس ترامپ و نتانیاهو وصل است و این واقعیت را نمی‌تواند از انظار پنهان کند. طرفدارانش در سیرک‌های خیابانی‌شان همچنان با پرچم‌های آمریکا و اسرائیل پرچم‌چراخی می‌کنند و خودش بلافاصله بعد از شرکت در مراسم جایزه بنیاد نأومان راهی لهستان برای دریافت جایزه "سلیمان" از دست رئیس انجمن یهودیان اروپا می‌شود. هنوز کسی. از پشت پرده این سفر و دیدارها چیزی نمی‌داند و باید منتظر بود تا مانند سفرش به اسرائیل که خودش از تلاش‌هایش برای ترغیب نتانیاهو به حمله نظامی پرده برداشت، از تلاش‌های ضد انسانی پشت این دعوت مذهبی هم پرده بردارد.

هیچ‌یک از این رنگ عوض کردن‌ها و زیگزاگ رفتن‌ها نمی‌توانند برای رضا پهلوی و طرفدارانش ضربات سیاسی‌ای که طی مدت چند ماه پیش بعد از آتش‌بس جنگ ۳۹ روزه چه در داخل و چه در خارج متحمل شده‌اند، را جبران کنند و اتفاقا با هر زیگزاگ و داستان سرهم کردنی بی‌اعتبارتر و بی‌آبروتر می‌شوند

ترکیه در بحران: اقتدار سیاسی، بن‌بست اپوزیسیون و مسئله آلترناتیو کارگری



سیاوش آذری

تحولات اخیر ترکیه بار دیگر تناقضات عمیق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی این کشور را آشکار کرده است. رسوایی صندوق‌های سرمایه‌گذاری، فاجعه مرگبار کارخانه فولاد هاباش، فشارهای قضایی بر اپوزیسیون و تلاش اردوغان برای تحکیم قدرت، در نگاه نخست رویدادهایی متفاوت‌اند. اما بررسی رابطه آن‌ها تصویری از جامعه‌ای به دست می‌دهد که در آن بحران اقتصادی، فرسایش مشروعیت سیاسی و محدودیت‌های آلترناتیوهای موجود به یکدیگر گره خورده‌اند.

مسئله تعیین‌کننده این است که کدام نیروهای اجتماعی، با چه مطالبات و افق سیاسی، قادرند در این شرایط به میدان بیایند و مناسبات قدرت را تغییر دهند.

از رسوایی مالی تا مرگ کارگران

در سپتامبر ۲۰۲۶، بحران صندوق‌های سرمایه‌گذاری ترکیه به یکی از مهم‌ترین رسوایی‌های مالی این کشور تبدیل شد. نهاد ناظر بازار سرمایه دستور انحلال ۱۳۱ صندوق متعلق به هفت شرکت مدیریت سرمایه را صادر کرد و بیش از ۴۵۵ هزار سرمایه‌گذار تحت تأثیر قرار گرفتند. ناتوانی برخی صندوق‌ها در پاسخ‌گویی به درخواست‌های برداشت پول، بحران را آشکار کرد و تحقیقات درباره دست‌کاری احتمالی قیمت سهام و معاملات غیرقانونی آغاز شد.

دامنه تحقیقات به چهره‌های سیاسی و مسئولان نهادهای مالی نیز کشیده شده است. اما مسئله صرفاً فساد احتمالی چند مدیر یا مقام دولتی نیست. این بحران پرسشی بنیادی‌تر درباره مناسبات سرمایه مالی، قدرت سیاسی و سازوکارهای انباشت سرمایه مطرح می‌کند.

مفهوم سرمایه موهوم در نقد اقتصاد سیاسی مارکس برای فهم این وضعیت اهمیت دارد. دارایی‌های مالی می‌توانند نماینده ادعاهایی بر درآمدها و ارزش‌های آینده باشند و قیمت آن‌ها مستقل از تغییرات فوری تولید افزایش یابد. اما این استقلال نسبی به معنای جدایی واقعی سرمایه مالی از مناسبات تولید و انباشت نیست.

در نهم نوامبر، انفجار در کارخانه فولاد هاباش در آلی‌آغای ازمیر به مرگ ۱۸ کارگر انجامید. گزارش‌های اولیه از سقوط جرثقیل به داخل کوره هنگام عملیات تعمیراتی حکایت داشتند. تحقیقات قضایی برای تعیین مسئولیت‌ها آغاز شده است.

این فاجعه را نمی‌توان صرفاً به علت فنی انفجار تقلیل داد. مسئله اساسی، سازمان اجتماعی تولید است: شرایط کار، فشار برای افزایش تولید، نظارت بر ایمنی و رابطه میان هزینه‌های حفاظت از جان کارگران و سودآوری سرمایه.

رسوایی صندوق‌ها و فاجعه هاباش پدیده‌هایی یکسان نیستند. اولی به معاملات مالی، ارزش‌گذاری دارایی‌ها و نظارت بر بازار مربوط است؛ دومی به فرایند مستقیم تولید و شرایط کار. بااین‌حال، هر دو مسئله رابطه دولت با انباشت سرمایه را پیش می‌کشند.

دولت در جامعه سرمایه‌داری صرفاً داوری بیرونی میان منافع متعارض نیست. این دولت با تضمین مالکیت خصوصی، تنظیم مناسبات کار و سازماندهی شرایط عمومی انباشت، در بازتولید مناسبات سرمایه‌داری نقش دارد. این ساختار و نقش دولت، البته مسئولیت مشخص کارفرمایان، مدیران و نهادهای دولتی را منتفی نمی‌کند.

برای اکثریت مزدبگیران ترکیه، این تناقضات در شرایطی آشکار می‌شوند که گرانی، کاهش قدرت خرید و ناامنی اقتصادی بر زندگی روزمره فشار می‌آورند. مسئله تنها توزیع نابرابر ثروت نیست؛ شرایطی است که در آن بازتولید زندگی انسان‌ها تابع الزامات انباشت سرمایه قرار می‌گیرد.

اردوغان و تحکیم قدرت در شرایط بحران

تلاش اردوغان برای تحکیم قدرت سیاسی را باید در پیوند با این تناقضات بررسی کرد. تمرکز قدرت اجرایی، فشار قضایی بر مخالفان، مداخله در ساختار احزاب و محدودکردن امکان رقابت سیاسی، از ویژگی‌های مهم تحولات سال‌های اخیر ترکیه بوده‌اند.

اما توضیح این روند صرفاً با اراده شخصی. اردوغان برای حفظ قدرت کافی نیست. اقتدارگرایی سیاسی و دشوارترشدن مدیریت تناقضات اقتصادی و اجتماعی، دو گرایش به‌هم‌پیوسته‌اند. تمرکز قدرت می‌تواند وسیله‌ای برای کنترل بحران و حفظ حکومت باشد؛ درعین‌حال، همین تمرکز ممکن است بحران مشروعیت، اختلافات درون حاکمیت و بی‌اعتمادی به نهادهای سیاسی را تشدید کند.

تحولات حزب جمهوری‌خواه خلق نمونه‌ای از بازآرایی میدان رقابت سیاسی است. پس از ابطال قضایی انتخاب اوزگور اوزل به رهبری این حزب، او به همراه ۹۰ نماینده دیگر از حزب جدا شد و در ژوئیه ۲۰۲۶ «یِنی پارتی» را تأسیس کرد.

تشکیل این حزب را می‌توان تلاشی برای حفظ ظرفیت سیاسی و انتخاباتی اپوزیسیون در برابر مداخلات قضایی دانست. اما این تحول پرسشی بنیادی‌تر را بی‌پاسخ می‌گذارد: افق سیاسی و اجتماعی اپوزیسیون چیست؟

باید میان تغییر دولت، تغییر ساختارهای حقوقی و سیاسی، و دگرگونی مناسبات اجتماعی تمایز گذاشت. این سه می‌توانند با یکدیگر ارتباط داشته باشند، اما مترادف نیستند. دفاع از آزادی‌های سیاسی، انتخابات آزاد و استقلال دستگاه قضایی مطالباتی مهم‌اند. بااین‌حال، تحقق آن‌ها به‌خودی‌خود مناسبات سرمایه‌داری را دگرگون نمی‌کند.

محدودیت اپوزیسیون اصلی ترکیه را باید در همین افق بررسی کرد. مسئله صرفاً توانایی آن برای شکست انتخاباتی اردوغان نیست، بلکه این است که آیا برنامه‌ای برای تغییر مناسبات اقتصادی و اجتماعی موجود دارد یا اساساً به دنبال اداره متفاوت همان مناسبات است.

مسئله کرد و تناقضات روند جدید

روند جدید مذاکرات درباره مسئله کرد نیز بخشی از این آرایش سیاسی است. برخلاف روند سال ۲۰۱۳ که به «روند صلح» شهرت داشت، روند کنونی از نام‌گذاری سیاسی مشترکی برخوردار نیست. حکومت از «ترکیه بدون ترور» سخن می‌گوید، درحالی‌که حزب DEM آن را «روند صلح و جامعه دموکراتیک» می‌نامد.

این تفاوت صرفاً لفظی نیست. در یک سو مسئله عمدتاً در چارچوب امنیت و خلع سلاح مطرح می‌شود؛ در سوی دیگر، مطالبات مربوط به حقوق سیاسی و فرهنگی کردها، شهروندی برابر و تضمین‌های قانونی قرار دارند.

DEMمطالباتی در این زمینه مطرح کرده است. بااین‌حال، داشتن مطالبات دموکراتیک با برخورداری از راهبردی روشن برای تحقق آن‌ها یکسان نیست.

پرسش تعیین‌کننده این است که مشارکت در روندی که چارچوب و زمان‌بندی آن تا حد زیادی در اختیار حکومت قرار دارد، چه تأثیری بر

ادامه در صفحه ۹

تدامه از صفحه ۸

ترکیه در بحران: اقتدار سیاسی،

استقلال سیاسی جنبش کرد می‌گذارد. آیا این روند به گسترش ظرفیت سیاسی و اجتماعی جنبش و کسب تضمین‌های واقعی منجر می‌شود، یا آن را به محاسبات سیاسی حکومت اردوغان وابسته می‌کند؟

به نظر می‌رسد خطر دوم را باید جدی گرفت. مشارکت DEM در این روند، حتی مستقل از نیات رهبران و فعالان آن، ممکن است عملاً به کاهش فشار سیاسی بر حکومت و تثبیت موقعیت اردوغان کمک کند. این ارزیابی از پیامدهای احتمالی مناسبات سیاسی موجود است، نه داوری درباره صداقت یا انگیزه‌های فردی فعالان جنبش کرد.

مسئله اساسی آن است که آیا مذاکرات به تغییر واقعی توازن قوا و تأمین حقوق برابر می‌انجامد، یا مسئله کرد بار دیگر به یکی از متغیرهای حفظ و بازآرایی قدرت در دولت مرکزی تبدیل می‌شود.

چپ ترکیه: رادیکالیسم سیاسی یا افق مستقل طبقاتی؟

ترکیه از سنت مبارزاتی مهمی برخوردار است. مبارزات کارگری دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، مقاومت در برابر پیامدهای کودتای ۱۹۸۰، جنبش گزی، اعتراضات دانشجویی و اعتصابات معاصر نشان می‌دهند که مسئله اصلی فقدان نارضایتی یا مبارزه‌جویی اجتماعی نیست.

بااین‌حال، این مبارزات تاکنون به شکل‌گیری آلترناتیوی پایدار و سراسری با افق مستقل کسب قدرت سیاسی توسط طبقه کارگر منجر نشده‌اند. چرا؟

پاسخ را نباید صرفاً در سرکوب دولتی، پراکندگی تشکیلاتی یا فقدان یک حزب انقلابی جست‌وجو کرد. این عوامل اهمیت دارند، اما مسئله بنیادی‌تر به ماهیت سیاسی و اجتماعی خود سازمان‌های چپ بازمی‌گردد.

در چارچوب نظری جنبش‌محور منصور حکمت، کمونیسم صرفاً مجموعه‌ای از عقاید، شعارها یا برنامه‌های رادیکال نیست، بلکه جنبشی اجتماعی و طبقاتی است. از این منظر، مسئله بنیادی چپ ترکیه را نمی‌توان صرفاً در سرکوب دولتی، پراکندگی تشکیلاتی، ضعف سازمانی یا حتی فقدان برنامه‌های انقلابی جست‌وجو کرد. مسئله عمیق‌تر به تعلق جنبشی و افق سیاسی سازمان‌هایی بازمی‌گردد که خود را سوسیالیست یا کمونیست می‌نامند. ماهیت سیاسی یک سازمان را نه نام و ایدئولوژی اعلام‌شده آن، نه رادیکالیسم شعارهایش و نه حتی نیات صادقانه فعالانش، بلکه جنبش اجتماعی‌ای تعیین می‌کند که سیاست آن سازمان عملاً مطالبات و افق تاریخی آن را نمایندگی می‌کند.

از این منظر، بخش مهمی از چپ ترکیه، با وجود ادبیات مارکسیستی و انقلابی، در عمل در افق سیاسی جنبش‌های اجتماعی دیگری فعالیت می‌کند؛ از اصلاح‌طلبی دموکراتیک و ناسیونالیسم تا سندیکالیسم و جنبش‌های اعتراضی علیه اقتدارگرایی. این جنبش‌ها می‌توانند حامل مطالبات مهم و حتی رادیکال باشند، اما افق سیاسی آن‌ها لزوماً دگرگونی مناسبات تولید سرمایه‌داری و الغای کار مزدی نیست.

موقعیت دست‌دومی یا »جونیوریستی «این بخش از چپ، یعنی تعریف نقش خود به‌عنوان جناح رادیکال یا نیروی پشتیبان جنبش‌های دیگر، علت اصلی این وضعیت نیست، بلکه پیامد تعلق جنبشی آن است. از همین‌رو، راه برون‌رفت را نیز نمی‌توان صرفاً در اتخاذ شعارهای رادیکال‌تر، تدوین برنامه‌های انقلابی‌تر یا تقویت تشکیلات موجود جست‌وجو کرد. مسئله، شکل‌گیری و گسترش جنبش مستقل سیاسی طبقه کارگر با افق کسب قدرت سیاسی و دگرگونی بنیادی مناسبات تولید است.

این استقلال سیاسی البته به معنای کناره‌گیری از مبارزه برای آزادی‌های دموکراتیک، حقوق کردها، رهایی زنان یا بهبود شرایط زندگی و کار نیست. تفاوت در این است که این مبارزات در افق کدام جنبش اجتماعی قرار می‌گیرند و در خدمت تحقق چه تحولی در جامعه هستند.

آلترناتیو کارگری و مسئله قدرت

بحران کنونی ترکیه می‌تواند امکانات تازه‌ای برای مبارزه طبقه کارگر فراهم کند. فشار بر سطح زندگی، ناامنی شغلی، حوادث مرگبار کار و فرسایش اعتماد به نهادهای سیاسی، زمینه‌های مشترکی برای اعتراض و همبستگی ایجاد کرده‌اند.

اما هیچ بحرانی به‌خودی‌خود آلترناتیو کمونیستی تولید نمی‌کند. حتی گسترده‌ترین اعتصابات و اعتراضات نیز الزاماً از افق مطالبات فوری یا تغییر حکومت فراتر نمی‌روند.

مطالباتی مانند افزایش دستمزد، کاهش ساعات کار، تأمین ایمنی محیط کار، آزادی تشکل و اعتصاب و برخورداری از خدمات اجتماعی، برای زندگی و مبارزه روزمره کارگران اهمیت اساسی دارند. سازمان‌یابی مستقل در محیط‌های کار، مجامع عمومی و ایجاد ارتباط میان بخش‌های مختلف طبقه کارگر نیز برای گسترش قدرت جمعی آنان ضروری است.



بااین‌حال، سازمان‌یابی اقتصادی و طرح مطالبات فوری، به‌خودی‌خود، جایگزین افق سیاسی کمونیستی نمی‌شود. مسئله، شکل‌گیری جنبشی است که مبارزه برای بهبود شرایط زندگی را با چشم‌انداز کسب قدرت سیاسی و دگرگونی مناسبات تولید پیوند دهد.

در این چارچوب، حزب کمونیستی نه صرفاً سازمانی برای نمایندگی اعتراضات است و نه دستگاهی برای کسب کرسی‌های پارلمانی. مسئله، سازمان‌یابی سیاسی جنبش طبقه کارگر به‌عنوان نیرویی مستقل و مدعی قدرت است.

بحران ترکیه بنابراین صرفاً مسئله آینده اردوغان یا امکان پیروزی اپوزیسیون در انتخابات نیست. پرسش بنیادی‌تر این است که آیا طبقه کارگر می‌تواند از موقعیت نیرویی معترض یا پشتیبان جناح‌های سیاسی موجود فراتر رود و به نیرویی تبدیل شود که خود مسئله قدرت سیاسی و سازمان اجتماعی تولید را مطرح می‌کند.

تغییر واقعی توازن قوا زمانی معنایی فراتر از جابه‌جایی دولت‌ها پیدا می‌کند که طبقه کارگر نه فقط درباره اینکه چه کسی حکومت می‌کند، بلکه درباره اینکه جامعه چگونه تولید می‌کند، چگونه اداره می‌شود و مناسبات اجتماعی آن بر چه اساسی استوار است، به‌عنوان نیرویی مستقل وارد میدان شود.

اولتیماتوم کارگران گروه ملی فولاد اهواز، تجمع کارگران فضای سبز ایلام، تجمع بزرگ مردم شاهرود علیه فعالیت‌های تخریبی معدنی

اولتیماتوم کارگران گروه ملی فولاد اهواز

کارگران گروه ملی فولاد اهواز اولتیماتوم دادند که اگر تا پایان روز یکشنبه هفدهم آبان‌ماه، حقوق‌های معوقه آنان به‌طور کامل پرداخت نشود، دیگر هیچ وعده و توجیهی را نخواهند پذیرفت و دست به اقدام اعتراضی خواهند زد.

تجمع کارگران شرکت فضای سبز شهرداری ایلام

کارگران شرکتی فضای سبز شهرداری ایلام در اعتراض به قراردادهای موقت برده‌وار و سطح نازل حقوق‌ها مقابل استانداری دست به تجمع زدند. رسمی شدن استخدام‌ها و کوتاه شدن دست پیمانکاران و پایان دادن به قراردادهای موقت خواست سراسری کارگران شهرداری است. قبل از آن نیز کارگران شهرداری و پاکبانان در تهران و کارگران فضای سبز آزادکوه نیز با همین مطالبه تجمع داشتند.

تجمع بزرگ مردم شاهرود علیه فعالیت‌های معدنی در منطقه رودخانه شاهوار

روز جمعه ۱۵ آبان جمع کثیری از مردم شاهرود برای بار دوم دست به تجمع و راهپیمایی زدند و خواهان تعطیلی کامل معدن شاهوار شدند. به گفته معترضین ادامه فعالیت‌های معدنی، منابع آب، محیط‌زیست و حیات منطقه را با خطر جدی روبه‌رو کرده است. در این حرکت اعتراضی مردم شاهرود به استاندار هشدار دادند که در صورت ادامه کار این معادن و تصمیماتی که آینده آب و طبیعت منطقه را تهدید می‌کند سکوت نخواهند کرد و مسئولیت هرگونه پیامد ناشی از بی‌توجهی به مطالبات آنان برعهده خود آنهاست. تجمع اعتراضی قبلی مردم شاهرود در رابطه با همین موضوع در یازدهم آبان‌ماه برگزار شد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ آبان ۱۴۰۵، ۷ نوامبر ۲۰۲۶

تجمعات بازنشستگان تامین‌اجتماعی در چند شهر و بانک صادرات در تهران

درد ما درد شماست مردم به ما ملحق شوید

روز هفدهم آبان‌ماه بازنشستگان تامین‌اجتماعی در اعتراض به بدتر شدن هر روزه وضع معیشتی خود و بی‌پاسخ ماندن خواست‌هایشان در شهرهای مختلفی چون اهواز، شوش، تهران، رشت و بازنشستگان فولاد و ذوب‌آهن در اصفهان تجمع کردند. در این روز بازنشستگان بانک صادرات در تهران نیز علیرغم بارندگی شدید به خیابان آمدند و علیه وضعیت موجود و حقوق پایین و تورم افسارگسیخته تجمع داشتند و با فریاد "صندوق پردرآمد، چه بر سر تو آمد" صدای اعتراض خود را علیه چپاولگری‌های حاکم بلند کردند.

در اهواز بازنشستگان تامین‌اجتماعی مقابل تامین‌اجتماعی تجمع داشته و مردم را با شعار"درد ما درد شماست، مردم به ما ملحق شوید" به اعتراض علیه بساط فقر و تبعیض و اختلاسگری‌های حاکم فرا خواندند. در این تجمع اعتراضی بنری با شعار"شاغل و بازنشسته، اتحاد، اتحاد" قابل توجه بود. دیگر شعارهای بازنشستگان در این تجمع عبارت بودند از: "دروغ میگن آمریکاست، دشمن ما همین جاست"، "معیشت، منزلت، سلامت، حق مسلم ماست"، "بازنشسته داد بزن، حقتو فریاد بزن"، "معترض زندانی آزاد باید گردد"، "معلم زندانی آزاد باید گردد"، و " کارگر زندانی آزاد باید گردد".

در شوش بازنشستگان در مقابل اداره کار شهرستان تجمع کردند و با فریاد "تأمینو غارت کردن، ما رو بیچاره کردن" دست به راهپیمایی زدند. بازنشستگان شعار می‌دادند: "بازنشسته داد بزن،حقتو فریاد بزن"، "تورم اسفبار، حاکم شده تو بازار"، "حسین حسین شعارشون، دروغ و دزدی کارشون"،" ظلم و ستم فراوان، ما را کشاند خیابان"، "خیابان، خیابان، سنگر زحمتکشان"، "دولت بی‌لیاقت، مجلس بی‌خاصیت / نمی‌خوایم، نمی‌خوایم"، "بازنشسته دادبزن / حقتو فریاد بزن"،"حاصل کار دولت / بی‌آبی و بی‌برقی"، "حاصل کار دولت، همش دروغ به ملت"، " حاصل کار دولت، غارت جیب ملت" و "فقر و فلاکت، تا کی/ دزدی از مردم تا کی؟".

بازنشستگان یک نیروی مهم جنبش علیه اعدام، زندان و سرکوب هستند. در رشت در این روز بازنشستگان معترض شعار می‌دادند: "قسم به خون یاران، تا لغو حکم اعدام، ایستاده‌ایم تا پایان". افزایش حقوق‌ها به بالای نرخ سبد معیشتی که اکنون از ۱۵۰ میلیون تومان صحبت می‌شود، درمان رایگان، تحصیل رایگان و پایان دادن به اعدام‌ها و سرکوبگری‌ها، پایان دادن به بساط چپاول و اختلاس و پایان دادن به جنگ‌افروزی‌ها که زندگی کل جامعه را به نابودی کشانده خواست‌های سراسری بازنشستگان و صدای اعتراض کل جامعه است.

بازنشستگان مخابرات که برای پیگیری خواست‌هایشان هر دوشنبه تجمع دارند برای روز هجدهم آبان‌ماه در مناسبت سالروز واگذاری این شرکت به سپاه و در اعتراض به بساط چپاولگری حاکم در این شرکت و بی‌پاسخ ماندن خواست‌هایشان فراخوان به برگزاری تجمع بزرگی در مقابل وزارات ارتباطات و فنآوری در تهران را داده‌اند. در پاسخ به این فراخوان بازنشستگان مخابرات اعلام کرده‌اند که در یک همبستگی بزرگ از سراسر کشور به تهران خواهند آمد و پیگیر مطالباتشان می‌شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ آبان ۱۴۰۵، ۸ نوامبر ۲۰۲۶

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

دانشجویان دانشگاه تهران: در برابر فشارها عقب‌نشینی نمی کنیم !

جمعی از دانشجویان دانشگاه تهران طی نامه‌ای سرگشاده به ریاست دانشگاه تحت عنوان "از مطالبات‌مان عقب‌نشینی نخواهیم کرد!" اولتیماتوم داده و بر خواست‌های اعتراضی خود تاکید کرده‌اند.

در بخشی از این نامه اعتراضی چنین آمده است: "ما، جمعی از دانشجویان دانشگاه تهران، به وضعیت نابسامانی اعتراض داریم که زندگی، امنیت و ادامه تحصیل دانشجویان را تحت تأثیر قرار داده است: خوابگاه‌های ناایمن، غذای بی‌کیفیت و غیربهداشتی، فشار هزینه‌های تحصیل و زندگی، تعویق انتخابات شورای صنفی، برخوردهای حراست و فشار بر سر حجاب، پرونده‌های انضباطی، فشار بر استادان و بی‌توجهی به دانشجویان زندانی."

در این نامه اعتراضی دانشجویان بر ۹ خواست فوری به عنوان یک اتمام حجت کامل تاکید کرده‌اند که عبارتند از: رسیدگی فوری به وضعیت خطرناک خوابگاه‌های دانشجویی، رسیدگی به وضعیت اسفناک تغذیه دانشجویان، برگزاری انتخابات شورای صنفی و رسیدگی به حق نمایندگی دانشجویان، جلوگیری از برخوردهای توهین‌آمیز حراست و جلوگیری از بازگشت فضای تنش بر سر حجاب، جلوگیری از فشارهای بسیج دانشجویی و افشای اطلاعات شخصی دانشجویان، جلوگیری از محدودکردن آزادی‌های علمی و اخراج استادان شایسته، پایان احضارهای غیرقانونی، پرونده‌های انضباطی و تجدیدنظر احکام سنگین، آزادی دانشجویان زندانی و پیگیری احکام قضایی، اقدام فوری و پاسخ‌گویی رسمی در رابطه با تمامی موارد ذکرشده.

در خاتمه دانشجویان اولتیماتوم داده و می‌نویسند: "این مطالبات مستقیماً به زندگی، سلامت، امنیت و آینده تحصیلی دانشجویان مربوط‌ند. در شرایطی که جنگ و فشار معیشتی بر زندگی مردم سنگینی می‌کند، افزودن فشارهای اداری، امنیتی و اقتصادی بر دانشجویان قابل قبول نیست. مدیریت دانشگاه تهران و وزارت علوم باید مطالبات را در مهلتی روشن بررسی کنند و نتیجه اقدامات را اعلام کنند.

این اتمام حجت روشن است: ادامه مداخلات حراست و تشدید برخوردها بر سر حجاب نمی‌تواند بی‌هزینه ادامه پیدا کند؛ این زیاده‌روی برای مسئولان و نیروهای مسبب آن گران تمام خواهد شد. دانشجویان در برابر فشارها عقب‌نشینی نمی‌کنند و بی‌اعتنایی به مطالبات می‌تواند اعتراض‌ها و تنش‌های دانشگاه را گسترش دهد. هیچ یک از امضاکنندگان یا افراد پیگیر این مطالبات نباید با تهدید، احضار، پرونده‌سازی یا محدودیت امنیتی و انضباطی روبه‌رو شود. در صورت بی‌پاسخ‌ماندن نامه یا بی‌نتیجه‌ماندن وعده‌ها، پیگیری جمعی از جمله اطلاع‌رسانی عمومی و اعتراض مسالمت‌آمیز ادامه خواهد یافت. ما دانشجویان دانشگاه تهران از این مطالبات عقب‌نشینی نخواهیم کرد."

طبق گزارش‌های منتشر شده این نامه در صحن دانشگاه و در جریان شورای عمومی دانشجویان خوانده شده و تا پیش از انتشار الکترونیکی، توسط ۱۶۶ تن از دانشجویان دانشگاه تهران امضا شده است.

حزب کمونیست کارگری قاطعانه از خواست‌ها و اعتراضات دانشجویان حمایت کرده و بر حمایت وسیع از آنها تاکید دارد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ آبان ۱۴۰۵، ۸ نوامبر ۲۰۲۶

تجمعات بازنشستگان مخابرات در شهرهای مختلف

روز هجدهم آبان‌ماه بازنشستگان مخابرات با فراخوانی از قبل اعلام شده به مناسبت سالروز واگذاری این شرکت به سپاه و در اعتراض به بساط چپاولگری حاکم در این شرکت و بی‌پاسخ ماندن خواست‌هایشان در شهرهای مختلف دست به تجمع زدند. این تجمعات در این هفته از جمله در شهرهای تهران، همدان، اصفهان، زنجان، کرمانشاه، رشت، سنندج، بیجار، ایلام و خرم آباد برگزار شد.

درتهران جمعیت قابل توجهی از بازنشستگان مخابرات با شعار "عزا عزاست امروز ، روز عزاست امروز، مخابرات به‌دست، غارتگراست امروز" دست به راهپیمایی زدند.

دراصفهان بازنشستگان با فریاد "تبعیض ظالمانه بسه تو این زمانه" صدای اعتراضشان را بلند کردند. در رشت بازنشستگان مخابرات علیرغم هوای سرد و بارانی مقابل ساختمان مرکزی مخابرات منطقه گیلان تجمع داشتند.

شعارهای بازنشستگان در این تجمعات همچنین عبارت بودند از: "ستاد فرمان امام حق ماها را خورده"، "اعتماد مبین سپاه حق ماها را خورده"، "گرانی، تورم، بلای جان مردم"، "مخابرات را بردند به دست گرگ سپردند"، "تاحق خود نگیریم ازپا نمی‌نشینیم"، "جیره غیر نقدی به روز باید گردد"، " مخابرات رو ما ساختیم، سپاه برد و ما باختیم" و "معیشت، خواربار به‌روز باید گردد".

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۸ آبان ۱۴۰۵، ۹ نوامبر ۲۰۲۶

دستگیری کلاهبرداران شرکت ماهان و خبری دیگر

دستگیری کلاهبرداران شرکت ماهان و تجمع مال‌باختگان در ارومیه

روز ۱۷ آبان سردار جمال سلمانی فرمانده انتظامی آذربایجان غربی از دستگیری عوامل و اعضای اصلی شرکت موسوم به ماهان که با ترفند ثبت‌نام خودروهای سنگین، اقدام به کلاهبرداری صدها میلیاردتومانی و گسترده از مردم در سطح کشور کرده بودند، خبر داد. در این اطلاعیه خبری از مال‌باختگان خواسته شده که جهت تشکیل پرونده و پیگیری حقوق خود با در دست داشتن مدارک و مستندات به پلیس امنیت اقتصادی فرماندهی انتظامی استان آذربایجان غربی مراجعه کنند.

پس از انتشار این خبر مال‌باختگان شرکت ماهان که بارها به خاطر از دست رفتن اندوخته‌هایشان دست به اعتراض زده بودند، مقابل دادگستری آذربایجان غربی تجمع کردند. به گفته معترضان آن‌ها سال‌ها کار کرده و پس‌انداز کرده‌اند و با امید حفظ ارزش دارایی‌هایشان سرمایه خود را وارد این مجموعه نمودند، اما امروز با حساب‌های خالی و آینده‌ای نامعلوم روبه‌رو هستند. در این تجمع اعتراضی یکی از تجمع‌کنندگان می‌گفت: "بازداشت متهمان خوب است، اما پول مردم چه شد؟ ما پول زندگی‌مان را می‌خواهیم."

در این پرونده کلاه برداری هزاران نفر مال‌باخته شده‌اند. بسیاری از حاضران تمام پس‌انداز زندگی، برخی سرمایه کار و برخی پول فروش خانه و زمین خود را از دست داده‌اند. مردم که یک سرِ این دزدی‌ها را در خود حکومت می‌بینند خواستار پرداخت فوری پول‌های به سرقت رفته خود هستند.

تجمع رانندگان مقابل گمرک در مرز ریمدان

روز هفدهم آبان‌ماه رانندگان کامیون در اعتراض به ۴۵ روز سرگردانی و توقف کامیون‌ها و روند کند ترخیص و تردد کالا و هفته‌ها بلاتکلیفی و خسارت‌های وارده در مرز ریمدان تجمع کردند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ آبان ۱۴۰۵، ۷ نوامبر ۲۰۲۶

هفته ۱۴۶ کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام و بیانیه این کارزار

روز نوزدهم آبان‌ماه کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام در ۶۶ شهر کشور، هفته ۱۴۶ خود را پشت سر گذاشت. در بیانیه هفتگی این کارزار ضمن اشاره بر ادامه اعدام‌های گسترده حکومت و صدور احکام جدید اعدام در قبال معترضین، از اعدام بیش از ۱۵ تن در هفته اخیر که دستکم ۶ نفر آنها زندانی سیاسی هستند خبر می‌دهد.

در این بیانیه همچنین بر رفتار جنایتکارانه حکومت در درون زندان از جمله به قتل رسیدن هدایت للری‌زاده در زیر شکنجه جنایتکاران رژیم در زندان اهواز خبر داده شده است.

در این بیانیه با اشاره بر وحشت حکومت از قیام مردم از صدور احکام جدید اعدام برای شماری از زندانیان سیاسی، از جمله امیرحسین موسوی، امیررضا رضایی، وحید قهرمانی، مهدی جلالی، همایون شبانکاره، وحید خدری‌خواه، حسین رسولی‌نسب، مهدی ظریف، متین شبانی، امیر دلشاد، علی زاغی، ایلیا اکبری، ابوالفضل صداقت، محمدمهدی پارسا و حسین میهمی، که تنها بخشی از مواردی هستند که تاکنون رسانه‌ای شده‌اند خبر می‌دهد. همچنین به ادامه بازداشت شمار بسیاری از جوانان در زندان‌های مختلف با اتهاماتی چون "محاربه" در انتظار صدور حکم یا اجرای حکم اعدام هستند اشاره دارد.

در بخش پایانی این بیانیه با اشاره به گسترش مخالفت‌ها علیه اعدام‌ها در سراسر جهان از جمله گزارش اخیر دبیرکل سازمان ملل متحد به مجمع عمومی، بر ادامه کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام تاکید می‌کند. وسیعا از این کارزار حمایت کنیم و صدای آن در سطح جهان باشیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۹ آبان ۱۴۰۵، ۱۰ نوامبر ۲۰۲۶

ادامه اعتراضات کارگران گروه ملی فولاد اهواز

روز سه‌شنبه ۱۹ آبان ۱۴۰۵، اعتراض کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز وارد دومین روز خود شد. کارگران با تجمع در مقابل این مجتمع بر خواست‌های خود تاکید دارند. در این تجمع مدیرعامل شرکت در جمع کارگران معترض حاضر شد و وعده‌هایی مبنی بر به‌روز شدن روند پرداخت دستمزدها و از سر گرفته شدن فعالیت تولیدی در بخش‌های مختلف شرکت را داد.

او در عین حال مطابق معمول اعتراض کارگران را زیر سوال برده و در اظهاراتی توهین‌آمیز و اتهامی، اعتراض کارگران را تحت تأثیر جریان‌های موسوم به "معاندین" خواند. در مقابل کارگران که اعتمادی بر وعده‌های شفاهی ندارند نسبت به اتهامات نامبرده اعتراض کرده و بر خواست‌های خود پافشاری کرده و خواهان اقدام عملی و اجرای تعهدات شدند.

کارگران گروه ملی در روز گذشته بنا بر اولتیماتومی از قبل اعلام شده دست به تجمع و راهپیمایی زده بودند و وقتی از سوی افرادی از استانداری از آن‌ها خواسته شد که چند نماینده برای مذاکره بفرستند یکصدا اعلام کردند که نماینده‌ای ندارند و همگی خود نماینده هستند و در پاسخ به وعده دادن‌ها با گفتن اینکه وعده نمی‌خواهند، عمل می‌خواهند بر ادامه اعتراض خود تاکید کردند. در ادامه این کشاکش بود که شب گذشته مدیریت شرکت در اطلاعیه‌ای اعلام کرد حقوق کارگران حداکثر تا ۲۵ آبان پرداخت خواهد شد.

تعویق پرداخت دستمزدها، بلاتکلیفی وضعیت تولید، حذف تدریجی مزایای شغلی از جمله قطع وعده‌های غذایی، لباس کار و مشکلات شدید معیشتی و کاری موضوعات اعتراض کارگران فولاد است و این اعتراضات ادامه دارد.

کارگران فولاد اهواز تجربه درخشانی از اعتراض متحد، اتکا به مجمع عمومی و تصمیم‌گیری جمعی، شرکت خانواده‌ها در اعتراضات و جلب حمایت مردم را دارند. ادامه به کارگیری این تجربیات دستمایه‌ای برای تقویت و پیشروی این اعتراضات است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۰ نوامبر ۲۰۲۶ – ۱۹ آبان ۱۴۰۵

اعتراضات در دانشگاهها،تجمع کارگران اخراجی، جوانان جویای کار

روز ۲۱ آبان دانشجویان خوابگاه سلامت دانشگاه علامه در اعتراض به کیفیت نامطلوب غذا و تکرار مغایرت غذای تحویلی با منوی اعلام‌شده، ساندویچ‌های بی‌کیفیت توزیع‌شده را در حیاط خوابگاه باز کردند.

روز ۱۹ آبان نیز جمعی از دانشجویان دانشگاه کردستان در اعتراض به افزایش قیمت و افت کیفیت غذای سلف‌سرویس تجمع داشتند. در این حرکت اعتراضی دانشجویان معترض با نوشتن شعارهایی نظیر "نه به خصوصی‌سازی"، "غذای رایگان و باکیفیت حق دانشجوست" و "نه جنگ، نه استبداد؛ زنده باد دانشگاه"، مطالبات خود را مطرح کردند. در رابطه با وضع بد غذا و خوابگاه‌ها و فضای امنیتی دانشگاه‌ها و احضارها اعتراضات متعددی در دانشگاه‌های مختلف بر پا شده است.

روز ۲۱ آبان جمعی از کارگران اخراجی نیشکر هفت‌تپه و جوانان جویای کار منطقه در اعتراض به بیکاری و عدم پاسخگویی به خواست‌ها دست به تجمع زدند.

در این تجمع اعتراضی یکی از کارگران می‌گوید: که سه ماه است بیکار هستند و نه کاری دارند و نه درآمدی و کسی هم پاسخگوی آنها نیست. همه نه کاری داریم، نه درآمدی، نه امیدی. هیچ مسئولی هم پاسخگو نیست.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۱آبان ۱۴۰۵، ۱۲ نوامبر ۲۰۲۶

از خوزستان چه خبر؟
اخبار هفته – واحد خوزستان، کمیته سازمان‌ده حزب کمونیست کارگری

۱۱- ۱۸- آبان ۱۴۰۵

دوشنبه۱۸ آبان:

- کارگران گروه ملی فولاد اهواز بار دیگر به خیابان آمدند. این کارگران بنا بر اولتیماتومی از قبل اعلام شده در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدها، بلاتکلیفی وضعیت تولید، حذف تدریجی مزایای شغلی‌شان از جمله قطع وعده‌های غذایی، لباس کار و مشکلات شدید معیشتی و کاری‌شان ابتدا در محوطه کارخانه تجمع کردند و سپس با راهپیمایی به سمت میدان بقایی، اعتراض خود را به خارج از محل کار کشاندند. در این تجمع اعتراضی افرادی از سوی استانداری در محل حاضر شدند و از کارگران خواستند چند نفر را برای مذاکره معرفی کنند. اما کارگران همه باهم یک‌صدا اعلام کردند: "همه ما نماینده هستیم؛ ما نماینده دیگری نداریم ".زیر فشار این حرکت اعتراضی به کارگران وعده داده شد که فعالیت شرکت ادامه پیدا می‌کند و حقوق‌ها به موقع پرداخت می‌شود. اما کارگران می‌گویند وعده زیاد شنیده‌اند و دیگر بس است. تاریخ مشخص کنید. تعهد بدهید و اقدام عملی بکنید.

شنبه۱۶ آبان:

- هفت شهروند در بندر ماهشهر به اسامی عادل عثمانی، سلطان عثمانی، عزیز گرغولی، علی حیدری، محسن صلیحاوی، علی صلیحاوی و طهران عثمانی، در پی هجوم نیروهای اداره اطلاعات در محله کوی سعدی (حی‌الکرامه) بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شدند.

- براساس پیش‌بینی‌های هواشناسی خوزستان، فعالیت ادارات شهرستان‌های اهواز، حمیدیه، باوی و کارون در این روز با دو ساعت تاخیر شروع شد. بر همین اساس ساعت کاری ادارات ستادی و غیر نوبتکار شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب و شرکت‌های تابعه بهره‌بردار نفت و گاز مستقر در اهواز نیز از ساعت ۱۰ صبح آغاز شد.

در این روز طبق ابلاغیه آموزش پرورش استان، مدارس در ۶ استان از جمله در خوزستان در شهرستان‌های اهواز، اندیمشک، دزفول، حمیدیه، باوی، کارون، شوشتر، ایذه، اندیکا، صیدون، باغملک، دزپارت، لالی، مسجدسلیمان، شوش و کرخه تعطیل بودند. در گزارشی از خوزستان با گفتن اینکه خبری از بارش و طوفان در این استان نبود آمده است: تعطیلی مدارس و دانشگاه‌ها نقطه آرامشی برای حکومت است.

جمعه۱۵ آبان:

-کارگران گروه ملی فولاد اهواز اولتیماتوم دادند که اگر تا پایان روز یکشنبه هفدهم آبان‌ماه، حقوق‌های معوقه آنان به‌طور کامل پرداخت نشود دیگر هیچ وعده و توجیهی را نخواهند پذیرفت و دست به اقدام اعتراضی خواهند زد.

- در پی صدور هشدار سطح قرمز هواشناسی، با تصمیم ستاد مدیریت بحران خوزستان از روز شنبه ۱۶ آبان فعالیت کلیه مدارس در دو نوبت صبح و بعدازظهر در شهرستان‌ها و بخش‌های ذکر شده در این هشدار شامل شهرستان‌های ایذه، اندیکا، صیدون، دزپارت، باغملک، لالی، مسجدسلیمان، گتوند، بخش‌های شهیون و سردشت دزفول و بخش الوار گرمسیری اندیمشک تعطیل و به صورت غیرحضوری و در بستر شبکه شاد اعلام شد. آلودگی هوا یک درد مزمن در خوزستان است که مردم بسیاری را بیمار و زندگی مردم را قربانی و مختل کرده است. سیاست‌های جنایتکارانه و تخریبی حکومت و سرمایه‌داران مفتخور عامل مستقیم این فاجعه است.

- سازمان هواشناسی با پیش‌بینی بارش شدید باران، رعد و برق و کاهش محسوس دما، برای ۱۱ استان کشور از جمله خوزستان هشدار نارنجی صادر کرد و از احتمال خسارت به محصولات زراعی، باغی و دامی خبر داد. در این هشدار از کشاورزان خواسته شده است که برای کاهش خسارت مسیرهای عبور آب مزارع و باغ‌ها را پاکسازی کرده و از سم‌پاشی هنگام بارندگی و تردد ماشین‌آلات در شرایط نامساعد جوی خودداری کنند. همچنین بر انتقال محصولات آماده به مکان‌های مسقف، ایمن‌سازی گلخانه در برابر باد و سرما و تدارک سوخت و وسایل گرمایشی توسط دامداران و مرغداران تاکید شده است. این درحالیست که کمبود سوخت و در جاهایی قطع آن موضوع اعتراض مردم است. جاده های ناامن در شرایط بارندگی و وضعیت قرمز و یا نارنجی هوا خطر دیگر برای مردم است. مردم در نقاطی چون خوزستان نه در شرایط گرمای جهنمی امکانات و تامینی دارند و نه در برابر باران‌های شدید که به دلیل زیرساخت‌های فرسوده فورا به سیلاب تبدیل شده و زندگی مردم در شهرها را مختل و به کشت و دام و زمینشان آسیب می‌رساند.

-پنجشنبه ۱۴ آبان:

- امید محترمی سخنگوی سازمان مدیریت بحران جمهوری اسلامی از وقوع قطعی سیلاب در کانون‌های اصلی بارش و احتمال طغیان رودخانه‌ها در سایر استان‌های نزدیک به آن خبر داد و از مردم خواست از نزدیک شدن به مسیر رودها خودداری کنند. پیرو هشدارهای صادره از سوی سازمان هواشناسی، این بارندگی ها از روز پنج‌شنبه ۱۴ آبان تا روز دوشنبه ۱۸ آبان پیش‌بینی شده است. جاری شدن سیل به دنبال بارندگی‌های شدید اتفاق است که هر ساله در استانی مثل خوزستان شاهدش هستیم. علت آن نیز زیرساخت‌های فرسوده شهری است که در نتیجه سیل فاضلاب‌ها در خیابان‌های شهرها جاری شده و سلامت و بهداشت و زندگی مردم را به خطر می‌اندازد. علیرغم تکرار هر سال این فاجعه جمهوری اسلامی هیچ اقدامی صورت نداده و فقط هشدار می‌دهند.

چهارشنبه ۱۳ آبان:

- مدیرکل هواشناسی خوزستان نسبت به وقوع رگبار و رعدوبرق، وزش باد شدید، طوفان‌های لحظه‌ای، آبگرفتگی معابر و کاهش محسوس دما هشدار داد. یک عامل مهم آبگرفتگی معابر فرسودگی زیرساخت‌های شهری در برابری سیل است. خوزستان یکی از مناطق محروم کشور است که مردم آن در برابر باران و طوفان و در برابر گرمای سوزان تابستان تامینی ندارند.

- بامداد این روز ایمان میرعالی ۳۷ ساله اهل اندیمشک با اتهام جرایم مرتبط با "مواد مخدر" و علی شاه‌پسند در زندان سپیدار اهواز به دار آویخته شدند. اعدام جنایت دولتی است. اعدام‌ها باید فورا متوقف، احکام اعدام لغو و این شکل شنیع مجازات های اسلامی باید ملغی شود. جمهوری اسلامی با گسترش اعدام‌ها می‌کوشد جامعه را عقب بزند، همراه با خانواده‌ها به نجات جان زندانیان زیر خطر اعدام بشتابیم.

سه شنبه ۱۲ آبان:

-کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام در هفته صد و چهل و پنج، در ۶۶ زندان کشور جریان یافت. در این حرکت اعتراضی، همچون هفته‌های گذشته، زندان‌های شیبان اهواز، سپیدار اهواز (بندهای زنان و مردان) و زندان بهبهان نیز مشارکت داشتند. حمایت های بین‌المللی یک نقطه قدرت این کارزار است.

- بنا به گزارش منتشرشده، علی دورقی معروف به عبدالعال دورقی ،شاعر و فعال فرهنگی ۶۰ ساله و ساکن کوی مشعلی اهواز، توسط مأموران اداره اطلاعات اهواز در منزل شخصی. خود بازداشت شد. به گفته بستگانش قبل از بازداشت از طریق تلفن از او خواسته شده بود که به ستاد خبری مراجعه کند و احضاریه‌ای برایش ارسال شده بود. اما علی دورقی به دلیل بیماری قلبی و سابقه جراحی قلب قادر به حضور نبود. علی دورقی

ادامه در صفحه ۱۴

ادامه از صفحه ۱۳

از خوزستان چه خبر؟

پیش‌تر نیز سابقه چندین بار بازداشت داشته است. از جمله در سال ۱۴۰۳ به اتهام "تبلیغ علیه نظام" و "توهین به رهبری" بازداشت و در دادگاه انقلاب اهواز محاکمه شد و سپس با قرار وثیقه تا صدور حکم آزاد گشت.

- احمد کی‌شمس، شهروند اهل ایذه، با تودیع قرار وثیقه و کفالت آزاد شد. طبق گزارش‌ها او در تاریخ ۲۷ مهرماه از زندان شیبان اهواز با وثیقه پنج میلیارد تومانی مربوط به یک پرونده و قرار کفالت ۵۰۰ میلیون تومانی برای پرونده‌ای دیگر آزاد شد. کی‌شمس در یک پرونده که در دادسرای شهرری تهران در دست رسیدگی است، با اتهاماتی همچون "تبلیغ علیه نظام" و "همکاری و ارتباط با دول متخاصم خارجی" مواجه شده است. پرونده دیگر وی در دادسرای ایذه در حال رسیدگی است. او در طول دوران بازداشت از دریافت خدمات درمانی مناسب محروم و مدتی به سلول انفرادی منتقل شده بود. احمد کی‌شمس در ۲۰ آبان سال گذشته در شهر ایذه توسط نیروهای امنیتی با توسل به خشونت در منزل شخصی خود بازداشت شد. او سپس به بازداشتگاه اطلاعات سپاه اهواز انتقال یافت و چندی بعد به زندان شیبان منتقل شد. احمد کی‌شمس باید بدون قید و شرط آزاد شود. ما بر آزادی فوری و بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی تاکید داریم.

- سحرگاه این روز یک زندانی به اسم علی شاجری (بنی طرف) ۴۸ ساله ساکن کوی ابوذر حصیرآباد (الدویره) شهر اهواز به اتهام قتل در زندان سپیدار اعدام شد. جمهوری اسلامی در سایه فضای جنگی بر سرعت سرکوب و اعدام خود شدت داده است تا جامعه را عقب بزند. جنبش علیه اعدام جنبشی. برای نجات جان انسان‌ها و مقابله با سرکوبگری‌های حکومت است.

- خبر اعدام یک زندانی کودک-مجرم به اسم ماهان وفادار در زندان دزفول رسانه‌ای شد. او هفده سال داشت که در بیستم شهریور ماه ۱۳۹۹ در ارتباط با اتهام قتل بازداشت و به کانون اصلاح و تربیت منتقل شد. سپس توسط مرجع قضایی به قصاص نفس (اعدام) محکوم شده بود و این حکم در ۲۸ مرداد ۱۴۰۵ مخفیانه به اجرا در آمد. در جمهوری اسلامی کودکان از داشتن هرگونه زندگی امن و شایسته محرومند. بسیاری از آنان از همان سنین کودکی بخاطر فقر خانواده به چرخه کودکان کار و خیابان و در ادامه‌اش به دام باندهای جنایی قاچاق می‌افتند و بعد با پرونده "مواد مخدری" و یا "قتل " سر از زندان در می‌آورند . کودک را در زندان نگاه می‌دارند تا به سن "اعدام" برسد و بعد هم او را به دار می‌آویزند. حکومت اسلامی اعدام می‌کند تا در پرتوی آن چپاول کند و با فضای اعدام و سرکوب جامعه را عقب بزند. ننگ بر حکومت کودک‌کش.

- حسین نواصری همراه با علی دوشی، علی شویهی، امین شویهی، جواد کنانی، عباس تمیمی و حامد غزلاوی، هفت فعال عقیدتی عرب اهل سنت، در اهواز و شاوور بازداشت شدند. تمامی زندانیان سیاسی-عقیدتی باید فورا و بدون قید و شرط آزاد شوند.

دوشنبه ۱۱ آبان:

- الیاس قنواتی لاری، نویسنده، شاعر و فعال مدنی اهل ماهشهر، در پی یورش مأموران امنیتی بازداشت شد. با گذشت چند روز از بازداشت او، تا لحظه نتظیم این خبر، هنوز هیچ اطلاعی از محل نگهداری و وضعیت جسمی‌اش در دست نیست.

واحد خوزستان - کمیته سازمان‌ده حزب کمونیست کارگری

۱۸ آبان ۱۴۰۵، ۹ نوامبر ۲۰۲۶

بیانیه کانون صنفی معلمان ایران (تهران) علیه موج فزاینده اعدام‌ها

کانون صنفی معلمان ایران (تهران) طی بیانیه‌ای در بیست و یکم آبان‌ماه با اشاره به موج فزاینده اعدام‌ها در ایران و با استناد به گزارش چهاردهم سپتامبر کمیته مستقل و بین‌المللی حقیقت‌یاب سازمان ملل متحد درباره جمهوری اسلامی ایران، مبنی بر تشدید استفاده از مجازات اعدام علیه معترضان، و دیگر گزارش‌های منتشر. شده از سوی نهادهای حقوق بشری و اینکه بسیاری از جوانان به دار آویخته دانش‌آموزان دیروز ما و فرزندان همین جامعه هستند، صدای اعتراض خود را بلند کردند. در این بیانیه آمده است "از نگاه ما، معلمان در برابر سرنوشت دانش‌آموزان دیروز خود مسئولیتی فراتر از وظایف آموزشی و مطالبات صنفی دارند. معلمی تنها به کلاس درس و انتقال دانش محدود نمی‌شود؛ دفاع از حق حیات، آزادی، عدالت و کرامت انسانی نیز بخشی جدایی‌ناپذیر از مسئولیت اجتماعی و اخلاقی معلمان است.

ما حمایت و همبستگی خود را با کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" که در ده‌ها زندان کشور جریان دارد، اعلام می‌کنیم. این کارزار بارها بر ضرورت همبستگی جمعی و اعتراض به مجازات اعدام تأکید کرده و به صدایی برای مخالفت با این مجازات تبدیل شده است.

در این شرایط حساس و سرنوشت‌ساز، سکوت در برابر اعدام انسان‌ها به معنای بی‌تفاوتی در برابر سلب حق حیات و عادی‌سازی خشونت حکومتی است."

در ادامه کانون صنفی معلمان با تاکید بر توقف فوری صدور و اجرای احکام اعدام فراخوان به اعتراض گسترده علیه اعدام‌ها داده و می‌نویسد: "ما از تمامی تشکل‌های صنفی و مدنی دعوت می‌کنیم تا با صدور بیانیه و گفت‌وگو و هم‌اندیشی، برای یافتن راهکارهای عملی و مشترک به‌منظور توقف اعدام‌ها اقدام کنند.

ما می‌خواهیم بخشی. مؤثر از صدای "نه به اعدام" در داخل ایران باشیم؛ صدای جوانان و فرزندانمان که پس از کشتار دی‌ماه، همچنان با خطر زندان و اعدام روبه‌رو هستند.

کانون صنفی معلمان به‌عنوان یک تشکل صنفی و مدنی، اعدام را مجازاتی برگشت‌ناپذیر و ناقض بنیادی‌ترین حق انسانی، یعنی حق حیات، می‌داند و بدون توجه به اتهام، عقیده و گرایش افراد، با آن مخالف است. از همین رو، خواهان توقف فوری صدور و اجرای احکام اعدام است."

حزب کمونیست کارگری در همراهی با کانون صنفی معلمان بر پیوستن همه بخش‌های جامعه به کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام و گسترش صف کارزار ضد اعدام‌ها تاکید دارد. نه به اعدام، آری به زندگی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۲ آبان ۱۴۰۵، ۱۲ نوامبر ۲۰۲۶

ادامه بازداشت معلم معترض رضا امانی‌فر و شمار دیگری از معلمان

رضا امانی‌فر از معلمان معترض و عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان بوشهر و بازرس شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان از فروردین ۱۴۰۵ همچنان در زندان است.

رضا امانی‌فر از بیماری کلیوی پلی‌کیستیک که بیماری‌ای پیشرونده است رنج می‌برد. او نیاز به پیگیری منظم پزشک متخصص و آزمایش‌های دوره‌ای و مراقبت مستمر دارد و طی این هفت ماه تنها یک‌بار آن هم با دستبند و پابند به درمانگاه منتقل شده است. شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران ضمن گزارش این خبر و محکوم کردن ادامه بازداشت این معلم معترض تاکید کرده و می‌نویسد: "مسئولیت هرگونه آسیب به سلامت او، در نتیجه‌ی تأخیر در درمان یا محرومیت از رسیدگی پزشکی، مستقیماً بر عهده‌ی مقام‌های قضایی و امنیتی تصمیم‌گیرنده است". رضا امانی‌فر باید فورا و بدون قید و شرط آزاد و تحت درمان فوری قرار گیرد.

علاوه بر رضا امانی‌فر شماری دیگر از معلمان به اسامی هاشم خواستار، جواد لعل محمدی، مسعود فرهیخته، سیامک صادقی چهرازی، امان جلالی نژاد، علی احمدی، ابوالفضل خوران و علیرضا مرداسی در زندانند.

امان جلالی‌نژاد از ۲۰ فروردین ۱۴۰۳ در زندان شیبان اهواز زندانی است. جلسه دادگاه وی در شعبه ۳ انقلاب اهواز در ۲۰ اسفند ۱۴۰۳ برگزار شد اما تا کنون از ارائه رای یا تبدیل قرار بازداشت وی خودداری شده است. او پیش‌تر در هفته پایانی اسفند ۱۴۰۴ از اتهامات مطروحه در پرونده کیفری که به خاطر آن به سه سال و شش ماه حبس محکوم شده بود، توسط شعبه ۲۱ تجدیدنظر به‌صورت قطعی، تبرئه شد. گزارش‌ها از وضعیت بد جسمانی او خبر می‌دهد.

علیرضا مرداسی از معلمان اهوازی با ۲۵ سال سابقه تدریس یکی دیگر از معلمان زندانی است که از ۱۲ مرداد ۱۴۰۲ در زندان شیبان اهواز به سر می‌برد . مرداسی پیش‌تر همراه با دو متهم دیگر هم‌پرونده خود به اسامی مسعود جامعی و فرشاد اعتمادی‌فر در زندان شیبان اهواز در شعبه یک دادگاه انقلاب اهواز از بابت اتهامات "افساد فی‌الارض"، "عضویت در گروه‌های باغی" و"تبلیغ علیه نظام" به دو بار اعدام و یک سال حبس محکوم شده بود. در خردادماه امسال این حکم جنایتکارانه از سوی دیوان عالی کشور تایید شد.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران دراطلاعیه مربوط به این خبر ضمن محکوم نمودن فضای ارعاب، سرکوب و اعدام به‌ویژه پس از جنگ، خواهان توقف صدور و اجرای احکام اعدام شده و از تمامی مخالفان اعدام خواستار شد که برای توقف روند جاری یک‌صدا برای لغو اعدام تلاش نمایند.

هاشم خواستار معلم بازنشسته زندانی دیگر نیز از زندانیان سیاسی قدیمی است که در مرداد ۱۳۹۸ در جریان تجمعی اعتراضی در مشهد در مقابل دادگاه انقلاب بازداشت شد و از آن زمان در زندان وکیل‌آباد مشهد به سر می‌برد. گزارش‌ها از محرومیت این معلم زندانی از دسترسی مناسب به خدمات درمانی، شرایط نامناسب بهداشتی، محدودیت در دسترسی به کتاب و وسایل نوشتاری و اعمال فشارهای مستمر امنیتی به او حکایت دارد. هاشم خواستار که دهه‌ها از عمر خود را صرف آموزش، دفاع از حقوق معلمان، آموزش رایگان و گسترش آزادی‌های مدنی کرده است، در طول دوران حبس نیز با گشایش پرونده‌های جدید، محرومیت از مرخصی. و محدودیت‌های گسترده در ارتباط با خانواده مواجه بوده است.

معلمان یک بخش معترض جامعه هستند که به دلیل نقش اجتماعی خود و مبارزاتی که داشته‌اند همواره زیر فشارهای شدید امنیتی قرار داشته‌اند. علاوه بر معلمان زندانی هم اکنون در بیرون زندان نیز شمار بسیاری از معلمان به خاطر پرونده‌های امنیتی‌ای که برای آن‌ها تشکیل شده زیر خطر بازداشت و زندان قرار دارند. معلمان با خواست‌های آموزش رایگان و باکیفیت و غیر ایدئولوژیک و غیر طبقاتی و با فریاد شعارهای "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"، "نه به اعدام، آری به زندگی"، همواره صدای اعتراض کل جامعه بوده‌اند. یک کارزار مهم معلمان کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات با خواست مشخص بسته شدن پرونده‌های امنیتی برای تمامی معلمان و زندانیان سیاسی و آزادی معلمان زندانی، و تمامی زندانیان سیاسی و معترضین بازداشتی است. از اعتراضات معلمان حمایت کنیم. با اعتراضات سراسری در زندان‌ها را باز کنیم.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۷ نوامبر ۲۰۲۶ – ۱۶ آبان ۱۴۰۵

https://free-them-now.com

FREE THEM NOW

CAMPAIGN TO FREE JAILED WORKERS IN IRAN

زنده باد سوسیالیسم!

خبرهایی در مورد کارگران زندانی و احکام سرکوبگرانه حکومت

طلب کمک هومان شایانی کارگر زندانی

هومان شایانی، کارگر و زندانی سیاسی که از ۱۷ دی‌ماه ۱۴۰۴ در بازداشت به سر می‌برد، با انتشار پیامی صوتی از زندان نورآباد ممسنی در استان فارس، از مردم ایران درخواست کرده است که برای پیگیری وضعیت قضایی و آزادی او کمک کنند. هومان با اتهامات "محاربه" و "تبلیغ علیه نظام" ده ماه است که بلاتکلیف در زندان و زیر فشار و اذیت و آزار قرار دارد.

او طی پیامی از زندان نورآباد ممسنی درخواست کمک کرده و می‌گوید:" مادری پیر دارم و کس و کاری ندارم دنبال کارم باشد و دنبال پرونده‌ام باشد". او سرپرست خانواده است و از همگان خواستار شده که به او کمک کنند که از زندان آزاد شود. کمپین برای آزادی کارگران زندانی از همگان درخواست دارد که صدای او باشند و بر آزادی فوری و بدون قید و شرط هومان شایانی و تمامی زندانیان سیاسی و معترضین زندانی تاکید می‌کند.

محکومیت شش پرستار بیمارستان فیاض بخش تهران به زندان

بدنبال اعتراضات سه روزه پرستاران در بیمارستان فیاض بخش تهران در اعتراض به پایین بودن دستمزد و بی‌پاسخ ماندن خواست‌هایشان در مردادماه امسال برای شش نفر از آنان، شش ماه خدمت رایگان در موسسات عام‌المنفعه و یک سال حبس تعلیقی صادر شده است.

شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران در بیانیه‌ای در محکومت احکام صادره برای این شش پرستار از موج حمایت‌ها از اعتراضات پرستاران بیمارستان که منجر به بازگشت به کار صد نفر از پرستاران اخراجی شد خبر می‌دهد. این شورا در بیانیه حمایتی خود با شعار "اعتراض، اعتصاب تجمع، حق شغلی معیشتی ماست. ما پرستاریم نه برده" از همه پرستاران در سراسر کشور و همه نهادها و تشکل‌های مردمی خواستار شده که صدای اعتراض خود را علیه این سرکوبگری‌ها و محکومیت پرستاران معترض اعلام کنند.

ادامه بازداشت ناهید خداجو

ناهید خداجو از فعالین کارگری شناخته شده و زندانی سیاسی سابق از نوزدهم مهرماه همچنان در زندان است. او در زندان کچویی فردیس کرج به سر می‌برد. ناهید خداجو باید فورا آزاد شود.

آزادی محمد حسین سپهری معلم زندانی پس از سه سال حبس

روز چهارشنبه ۱۳ آبان‌ماه، محمد حسین سپهری از معلمان زندانی پس از تحمل بیش از سه سال حبس از زندان وکیل‌آباد مشهد آزاد شد. بر اساس مستندات پرونده، تاریخ آزادی او ۱۸ مهر ۱۴۰۵ تعیین شده بود، اما به دلیل پرونده‌ای که پس از ضرب‌وشتم وی و جواد لعل‌محمدی در داخل زندان تشکیل شد، آزادی‌اش با ۲۵ روز تأخیر انجام گرفت. آزادی محمد حسین سپهری را تبریک می‌گوییم.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی (free them now)
/https://www.free-them-now.com
۷ نوامبر ۲۰۲۶- ۱۶ آبان ۱۴۰۵

در همبستگی با اعتراض بین‌المللی کارگران بنادر علیه جنگ و جنگ‌افروزی و علیه ریاضت اقتصادی

روز جمعه ۳۰ اکتبر (۸ آبان)، کارگران و کارکنان بنادر در اقدامی هماهنگ و بین‌المللی در **۱۱۳ بندر** از **۲۲ کشور** جهان با شعار محوری "کارگران بندر برای جنگ کار نمی‌کنند" دست به اعتصاب زدند و اعتراض خود را علیه جنگ و جنگ‌افروزی و ریاضت اقتصادی اعلام کردند.

این حرکت در چارچوب فراخوانی برای یک اقدام اعتراضی ۴۸ ساعته با فراخوان اعتصاب از سوی فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری (WFTU)سازمان‌یافته بود و بیش از ۲۵ اتحادیه کارگری در جهان در آن مشارکت داشتند. اما اعتراض به این روز محدود نماند و پس از آن در همین رابطه در چندین کشور دیگر از جمله در هامبورگ، برمن و برمرهافن از بنادر آلمان، در بنادر ناپل و جنوا در ایتالیا و در بنادر لوآور، مارسی و دانکرک در فرانسه اعتصاباتی اخطاری بر پا شد.

این اقدام اعتراضی گامی عملی از سوی یکی از بخش‌های کلیدی حمل‌ونقل جهانی علیه جنگ و جنگ‌افروزی و بخشی از یک مبارزه گسترده‌تر جهانی علیه سرمایه‌داری بحران‌زده و تحمیل سیاست‌های ریاضت اقتصادی بر زندگی مردم است. اعتراضاتی که یک سر آن در فرانسه و سر دیگرش در دیگر کشورهای اروپایی و در ایران است. ایران که نیروی اصلی جنگ‌افروزی در خاورمیانه و ناامنی در جهان است.

خواست‌های اعلام شده در فراخوان بین‌المللی کارگران بنادر عبارت بودند از: پایان دادن به جنگ‌ها و خشونت علیه مردم فلسطین و به رسمیت شناختن کشور مستقل فلسطین، مخالفت با استفاده از بنادر برای انتقال سلاح، مهمات و تجهیزات نظامی به مناطق جنگی و مقابله با نظامی‌سازی زیرساخت‌های بندری و برنامه‌های تسلیحاتی دولت‌ها، افزایش واقعی دستمزدها، تضمین اشتغال پایدار، کاهش ساعات کار، بهبود شرایط بازنشستگی و مخالفت با استفاده از هوش مصنوعی و اتوماسیون برای حذف شغل‌ها و تضعیف حقوق کارگران.

این خواست‌ها اعتراضی صریح به سیاست‌های دولت‌های درگیر در جنگ و جنایت، از جمله جریان‌های راست اسلامی و فاشیسم اسرائیلی و تعرضات معیشتی هر روزه آنان بر زندگی مردم در کشورهای مختلف است.

کارگران و مردم آزادی‌خواه قدرت واقعی مقابله با جنگ و جنگ‌افروزی هستند. اقدام اعتراضی مبتکرانه کارگران بنادر الگویی است برای همه بخش‌های کارگری که اگر در تداوم خود دامنه‌اش به دیگر بخش‌های کارگری در سطح جهان کشیده شود می‌تواند چرخ جنگ و جنگ‌افروزی را فلج کند و دست دولت‌ها و نیروهای جنگ‌طلب را از ادامه این جنایات کوتاه سازد. کمپین برای آزادی کارگران زندانی از این اقدام اعتراضی جهانی کارگران بنادر حمایت می‌کند و کارگران در ایران را به حمایت ازآن فرا می‌خواند. بکوشیم تا این صدا را جهانی کنیم. کارگران بنادر اعلام کردند که برای جنگ کار نمی‌کنند، با این صدا همراه شویم.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی (free them now)
/https://www.free-them-now.com
۷ نوامبر ۲۰۲۶- ۱۶ آبان ۱۴۰۵

FREE THEM NOW
CAMPAIGN TO FREE JAILED WORKERS IN IRAN

کارگران جهان متحد شوید!

پیام‌های دریافتی به مناسبت سالگرد تاسیس حزب

۱- رفقا و همرزمان عزیز!

سالگرد تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران را به همه اعضا، فعالین و دوستداران حزب تبریک می گوییم.

از خوزستان، جایی که کارگران و مردم زحمتکش سال‌هاست با فقر، بی‌حقوقی، تبعیض و استثمار دست‌وپنجه نرم می کنند، این سالگرد را گرامی می‌داریم. برای ما، تشکیل حزب فقط یک رویداد تاریخی نیست؛ ادامه راهی است برای سازمان دادن مبارزه علیه هر شکل از نابرابری و بی‌حقوقی و برای ساختن جامعه‌ای آزاد، برابر و انسانی.

امروز بیش از هر زمان دیگری روشن است که تغییر این وضعیت به نیروی متحد مردم و به مبارزه‌ای آگاهانه و سازمان‌یافته نیاز دارد. ما در خوزستان، در کنار کارگران، زنان، جوانان و همه انسان‌هایی که برای یک زندگی شایسته مبارزه می کنند، خود را بخشی از این تلاش می‌دانیم.

به امید روزی که فقر، استثمار، تبعیض و سرکوب از زندگی انسان‌ها رخت بربندد و آزادی و برابری به واقعیت زندگی همه مردم تبدیل شود.

سالگرد تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران گرامی باد

۲-نازنین از غرب کشور

ما یک جمع کارگری چهار نفره هستیم که در شرکتی خصوصی در غرب کشور کار میکنیم. خودمان را عضو طبقه کارگر ایران می دانیم و منافع طبقه کارگر ملاک عمل ما است بدون تبعیض قومی و هر تبعیضی. خود را کمونیست میدانیم چون آزادیخواه و برابری طلب هستیم. برای همین است که حزب کمونیست کارگری را هم دوست داریم. گرامی باد تاسیس حزب کمونیست کارگری ایران. برای شما آرزوی موفقیت و بهروزی و شادکامی و پیروزی می کنم. زنده باد حزب کمونیست کارگری ایران، هربژیت هربژیت .

۳- صفیه پرستار

سالگرد تشکیل حزب کمونیست کارگری را شادباش میگویم

صفیه هستم یک پرستار. خشم و اعتراض در وجودم هست. چون در جامعه ای پر از تبعیض و ظلم و ستم به دنیا آمده و روزگار میگذرانم. اما از شما آموختم که فریاد بزنم که این بردگی و بیحقوقی را قبول نمیکنم. از بهترین خاطراتم روزهای انقلاب زن زندگی آزادی است وقتی که با مردم بسیاری به خیابان آمدیم و با شعار "فقر، فساد، گرونی، میریم تا سرنگونی" ، زن زندگی آزادی مهر بطلان به این سیستم زدیم. و بعد در حالی که به راه پیروزی فکر میکردم و بدنبال قتل عام دیماه و جنگ افروزهای حکومت در سایه سرکوب و اعدام، دنبال پاسخ بودم. شما گفتید: تنها پاسخ به این وضعیت خود مردم هستند و تمام قدرت بدست مردم اسم رمزی برای پیروزی انقلاب بدستم داد. وجود حزبی که به این گونه افق روشنی مقابل ما میگذارد بیش از بیش به قلبم گرما بخشید و به قدمهایم به جلو توانایی. زنده باد حزب

۴- سالگرد تاسیس حزبمان را تبریک میگویم.

من کاوه همان کارگر معدن کار هستم. دوست و یار همیشگی شما. جشن سالگرد حزب برای من جشن تحول فکری در خودم است. از طریق برنامه کارگران و یک دنیای بهتر با شما آشنا شدم. اما یک مذهبی بدبخت و خداپرست بودم. در ابتدا فکر کردم توافق ما بر سر آزادیخواهی و برابری طلبی است و این را مثل گنجینه ای برای خودم حفظ کنم. ضمن اینکه عیسی بدینش و موسی به دینش. به تماسهایم ادامه دادم چون در حرفهای شما جواب چرا هایی که در ذهنم بود را میگرفتم. در صحبت یا شهلای گرامی قدم به قدم جلو آمدم. تا اینکه پادکاست کاظم نیکخواه بدستم رسید و با دنبال کردن آنها خدا را هم کنار گذاشتم. تازه فهمیدم این آخوندهای شارلاتان چه چرندیاتی میگویند . و با گفتن اینکه کمونیستم یعنی خدا نیست و دست گذاشتن روی تعصبات مذهبی میخواهند برای جنایتکاری های خود همراه بسازند. تازه فهمیدم واقعا خدا نیست. خدا خود ما مردم هستیم. قدرت بدست خود ما مردم. همان تاکیدی که حزب هم دارد و این حرف آخر من است. زنده باد حزب. زنده باد کارگران و یک دنیای بهتر، زنده باد پادکاست

۵- پیام از منوچهر کارگر نیشکر هفت تپه

سالگرد تاسیس حزب را شادباش میگویم.

من کارگر نیشکر هفت تپه هستم. دو تحول در زندگی ام صورت گرفت. یکی اعتصابات بزرگی که داشتیم و یکباره دیدم هفت تپه پایتخت اعتصابات خوانده شد و حمایت ها از همه جا اعلام شد. از معلم گرفته تا کارگر و دانشجو و کسبه بازار و شهروندان محترم شوش. بحث ها کردیم بر سر شعار"نان، کار، ازادی، اداره شورایی" تا موفق شدیم آنرا با خردی جمعی به کف خیابان بیاوریم و صف جلوی ما اسماعیل عزیز ایستاده بود. این اعتراضات چشم من و کارگران را به خیلی چیزها باز کرد. در همان مقطع با حزب مرتبط شدم با یک دنیای بهتر. ارتباطم از دیدن بازتاب اخبار مبارزات هفت تپه در کانال جدید آغاز شد. تماس گرفتم و خیلی زود تصمیم گرفتم عضو حزب شوم و خیلی ها را هم با کانال جدید آشنا کردم. این ارتباط نه فقط در مبارزه و دورنمای آن بلکه در زندگی شخصی. من نافذ بود. من تا آنموقع با همسرم حتی یک سفر تفریحی نرفته بودم. تفریح ما قرار و مدار با همکاران و اقوام و بردن بچه ها به یک پارکی برای سرگرم کردنشان بود. ما مردها قلیان می کشیدیم و زنان مراقبت از کودکان و تهیه غذا. بعد از آشنایی با یک دنیای بهتر شریک شدم در کارهای خانه و دو سفر هم تا جایی که امکان مالی اجازه میداد بطرف جنوب و شیراز داشتیم. تجربه جالبی بود. من و همسرم و فرزندانم. تازه طعم برابری و زندگی و دوست داشتن را می چشیدیم. از آن به بعد شدم راوی یک دنیای بهتر در میان همکارانم. زنده باد حزب. زنده باد یک دنیای بهتر. ، زنده باد اعتصاب

۶-پیام به مناسبت سالگرد حزب کمونیست کارگری

حزب کمونیست کارگری سی و پنج سال پیش در اوج یورش به کمونیسم و آرمان برابری شکل گرفت، اکنون برای تحقق برابری و یورش به هر شکلی از تبعیض، مبارزه واقعی علیه سرمایه داری در کف خیابانهای جهان جاری است. امروز جهان بیش از هر زمانی به حزب کمونیست کارگری نیاز دارد. این نیاز از تحولات جاری در کف خیابانهای ایران و جهان ناشی میشود. امید به تغییر، آن انرژی ای است که این حزب را به پیش میبرد، باوری که برنامه یک دنیای بهتر، برنامه این حزب بر اساس آن تنظیم شده است.

حزب کمونیست کارگری حزبی برای بودن و شدن. بودن این حزب یعنی عاملیت طبقه کارگر، یعنی وجود ستاد سیاسی طبقه کارگر در صحنه سیاست ایران. بودن در صحنه سیاست یعنی واگذار نکردن تعیین تکلیف مسئله قدرت سیاسی به بورژوازی. بودن یعنی کمونیسم امروز برای دنیای امروز نقشه دارد، برنامه دارد. شدن یعنی اراده سیاسی برای اجرایی کردن و پیاده کردن آنها.

این حزب باور ندارد که "مراحل تاریخی" خودش کار را به سرانجام میرساند. این حزب باور دارد که برای این امر، برای تغییر، اراده سیاسی قوی لازم است. این حزب باور ندارد هژمونی به خاطر حقانیت کمونیسم شکل میگیرد، یا باید رفت کار فرهنگی کرد تا هژمونی شکل بگیرد. برای شکل گرفتن هژمونی در دنیای سیاست باید کار سیاسی کرد. برای کار سیاسی، حزب سیاسی لازمه اصلی کاراست. حزب کمونیست کارگری هست

ادامه در صفحه ۱۹

ادامه از صفحه ۱۸

پیام‌های دریافتی به مناسبت سالگرد تاسیس حزب

برای همین امر، برای تلاش برای گرفتن قدرت سیاسی.

این حزب هست نه برای وعده رویایی شیرین، این حزب هست برای تلاشی سخت برای تحقق هر چیزی که به انسانیت انسان امروز مربوط است .

یاشار سهندی فعال کارگری

۷- پیام سیاوش کارگری از غرب کشور

با سلام دور خدمت همه دوستان عزیز

دستم گرفت و پا به پا برد تا شیوه مبارزه و حق خواهی آموخت.

چندین سال است در جمع دوستان و رفقای مهربان پذیرفته شده ام

قبلا از کارها و زحمات شبانه روزی آنان شنیده بودم. می‌دانستم مسئولیتی که بر عهد گرفته اند خیلی سخت دشوار است .

می شنیدم کارگران معادن ایران در زیر صد هاتن خاک و سنگ سخت یا معدن های ذغال سنگ صدای ضبط شده این افراد خاکی تر از ما را گوش می‌دهند.

زندانیان سیاسی ویا اعدامیان در صف که با صوت اذان و الله اکبر به سمت چوبه دار می‌روند

یا زنان سنگسار شده و دانشجویان همه

دنبال روزنه ای از امید جذب حزب کمونیست کارگری ایران می شدند و شاید این آخرین برگ برنده‌ای است که بتوانیم با آن خط بطلانی بکشیم یه سیستم فاشیسم و سرمایه‌داری دینی

و من و دیگر زنان و دختران و مردان تصمیم گرفتیم جزیی از این خانواده شویم و مبارزه را به صورت تشکیلاتی ادامه بدهیم . الان چند سال از این پیوستن می‌گذرد اما انگار همین دیروز بود سالها در کنار دوستانی مهربان و دلسوز بودن.

پیشنهاد من به همه زنان دختران دانشجویان زندانیان سیاسی، کارگران و مردمان کشورم ایران اینست که خود را عضوی از این خانواده بدانند.

۸- پیام رضا کارگر بازنشسته

سالگرد حزب را تبریک میگویم. دلی دردمند دارم. عزیزی را از دست داده ام که یک دلیل اصلی اش بی درمانی و فقر است. نمیدانستم در این شرایط چه بنویسم. ولی وقتی به آینده فکر کردم. مصمم شدم دو کلامی هم شده تبریک صمیمانه خود را اعلام کنم. چون همه امیدم شما هستید. آینده از آن ماست

۹- سالگرد حزب را تبریک میگویم

جوانی هجده ساله هستم. از نسل زد. با ترس و لرز موتور سواری آموختم تا همراه با یارانم به خیابان بیاییم و بگوییم نه به حکومت آپارتاید جنسی ، آری به زندگی. فکر نکنید ترسم ریخته، نه هنوز هم میترسم. اما هنوز هم ویراژ میرم. و در لحظه ای که به خیابان میزنم و چشمان از حلقه در رفته هراسناک ازه ای جلاد و رادان آدمکش و خواهران دوزخی اسلام را مجسم میکنم، دیگر ترس از وجودم میرود. ما ادامه داریم. ساندرا از تهران

۱۰- پیامی به مناسبات سالگرد تاسیس حزب. رضا فعال کارگری فرهنگی از ایران ۴۵ ساله

پیامم را با گرامیداشت یاد منصور حکمت آغاز می‌کنم. منصور حکمت یکی از نمادهای چپ مدرن ایران است که جدا از تفکر عدالتخواهانه ، نگاهش به انسان، زن و آزادی جنسی.که مالکیت نه فقط به شکل مادی بلکه حس مالکیت نسبت به زن و هر چیز دیگریست را زیر سوال می‌برد.

منصور حکمت و رفقایش نماد شکستن تابوها هستند و امید جهانی آزاد و برابر همچون آرمان‌های منصور را دارم .

۱۱- پیام در گرامیداشت سالگرد تاسیس حزب کمونیست کارگری

درود به همه شما دوستان

من سوران یک کارگر هستم. در غرب کشور. به مناسبت سالگرد حزب حرف دلم اینست: نه به جنگ، نه به اعدام، زنده باد سوسیالیسم، زنده باد انترناسیونالیسم، کارگران جهان اتحاد اتحاد، انقلاب، نه چیزی کمتر.

۱۲- با درودهای گرم و شادباش به مناسبت سالگرد تأسیس حزب کمونیست کارگری ایران

ما تعدادی از اعضاء و هواداران حزب از داخل ایران سلام‌ها و تبریکات خود را به همه اعضا و کادرهای حزب تقدیم می کنیم. به شما که با تلاش‌های بی‌شائبه خویش، در بخش‌ها و نهادهای مختلف این تشکیلات، درصدد معنا بخشیدن به اتحاد و همبستگی برای رسیدن به یک دنیای بهتر و انسانی هستید .

به شماها که آمال و آرزوهای زنان و مردان و کودکان و همه ستم‌کشان را دست‌مایه اهداف و برنامه‌های خویش ساختید، تا پرچم سوسالیسم انسانی را برفراز این سرزمین؛ که حاکمان جمهوری اسلامی آنرا به "جهنم" مزدبگیران بدل کرده است، برافرازید.

برای ما و بسیاری از ساکنان ایران، این حزب صدای بی صدایان و پرچم‌دار خواست و مطالبات کارگران، معلمان، پرستاران و دانشجویان، کولبران و سوختبران، رانندگان و نانوایان، مهاجران افغانستانی، اقلیت‌های جنسی(کوییر)، دینی و فومی، زندانیان عقیدتی - سیاسی، محکومین به اعدام و خانواده‌های جانباختگان 37 سال جنایات رژیم و همه ستم‌کشان و مزدبگرانی است که زیر بار گرانی و تورم و سرکوب، هستی و امال‌شان برباد می رود. برای ما هیچ‌بودگان؛ این حزب به منزله شاه کلید عبور از این شرایط فلاکت‌بار به دنیای آزاد و انسانی است. حزبی که طی سی و پنج سال حیات پربارش، پرشور و بی‌وقفه، با اتکاء به رهبری انسان‌های وارسته، خلاق و پر تلاش، تجسم اتحاد و برابری انسانی و پویایی و ابتکار برای رسیدن به دنیایی بهتر است. حزبی که پیشگام و پیش‌قراول نخستین انقلاب زنانه جهان و رهنمای انقلاب زن، زندگی آزادی است.

با این همه می‌توان بی‌پروا گفت؛ بی وجود این حزب و در فقدان این همه تلاش و پویایی، زندگی در ایران تحت حاکمیت رژیم جنایتکار و چپاولگر اسلامی، به چه منجلاب غیرقابل تحمل و نا امید کننده‌ای بدل می‌شد.

ماندگار باشید و پرتوان، تا برقراری یک دنیایی بهتر، که بر پرچم آن آزادی و برابری نقش بسته است.

زنده باد حزب کمونیست کارگری ایران

زنده باد زن، زندگی، آزادی

۱۳- عرفان کارگر بازنشسته از ایران

سالگرد حزب را به همه ی فعالین ودست اندر کاران حزب تبریک می‌گویم وبرای همگی آرزوی موفقیت دارم به امید یک دنیای بهتر

۱۴- سحر فعال حقوق زنان از ایران

- با درود فراوان به شما عزیزان و تلاش بی وقفه برای از بین بردن گرسنگی بیکاری وغیره سالروز حزب را گرامی میداریم به امید روزهای به دور از بدبختی انسانها وبرابری.

۱۵- گرامی باد سی و پنجمین سالروز تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران

سی و پنج سال است از تشکیل حزبی می گذرد که از روز اول، دخالتگری در

ادامه در صفحه ۲۰

ادامه از صفحه ۱۹

پیام‌های دریافتی به مناسبت سالگرد تاسیس حزب

مبارزات همه جانبه جامعه علیه جمهوری اسلامی و به هم پیوند زدن اعتراضات در تمام عرصه های اجتماعی و هدایت مؤثر جنبش ها به سوی ایجاد یک جنبش سراسری سرنگونی طلبی برای پایان دادن به رژیم ضد انسانی اسلامی را اساس و پایه موجودیت و ادامه فعالیت خود قرار داده است.

امروز وقتی که به این گذشته و سوخت و سازهای حزب با مبارزات اجتماعی که باعث تحولات و تغییر توازهای غیرقابل انکار و غیر قابل بازگشت به نفع جنبش سرنگونی طلبی شده نگاه می کنیم، حق داریم به عنوان رهبران و کادرها و اعضاء حزب به خود ببالیم و به حزبمان افتخار کنیم که آنچه در تئوری و برنامه، و در ادعا داشته ایم، تلاش کرده ایم که به میدان عمل ببریم.

با اینحال حزب کمونیست کارگری ایران، حزب قائم و متکی به دستاوردهای گذشته خود هست، اما قانع نیست و نگاه به آینده تحولات اجتماعی و مبارزات جامعه، و نقش خود در آن ها را دارد. این حزب، حزب واگذار کننده زحمات و دستاورهای مبارزاتی خود و جامعه خواهان آزادی و برابری و یک دنیای بهتر به جریانات راست نیست. بر همین اساس بخش اساسی ای از فعالیت خود را بر گسترش و تقویت تشکیلات های حزبی و سازماندهی توده ای حول تشکیلات ها متمرکز کرده است. از این جنبه هم ما می توانیم مدعی باشیم که کم کار نکرده ایم و در حال آماده شدن برای ایفای نقش تعیین کننده در تحولات و خیزش های آینده هستیم. ما حزب خوشبین به رخ دادن وقایع خوب با اتکاء به فعالیت های خود و تحولات و پیشرویهای اجتماعی در گذشته و بر مبنای برنامه ریزی هائی که در زمینه سازمانیابی تشکیلاتی و بسیج توده ای برای هر لحظه در آینده داریم، هستیم.

سهراب رها، کارگر بازنشسته
زنده باد حزب کمونیست کارگری
زنده باد سوسیالیسم

--

۱۶-سالگرد حزب را تبریک میگم

سمند هستم دانشجو و سی و پنجمین سال تاسیس حزب کمونیست کارگری را تبریک میگویم. من حزب را از طریق پدرم شناختم. هر چه از حزب و آرمانهای حزب می شنیدم کنجکاوی ام بیشتر میشد و علاقه مند میشدم که حزب را بیشتر بشناسم. بدین ترتیب همه چیز را بصورت کناری دنبال میکردم. اوایل فضایی جدی از حزب در ذهنم داشتم. اما هر چه با دوستان پدرم در دیدارها و مهمانی ها نزدیکتر میشدم تصویرم عوض میشد. در این مسیر سن و سالم هم بالا رفت و الان یک دانشجو هستم و حزب را یک جواب به اوضاع سیاسی امروز میدانم. خودم را عضو حزب میدانم. زنده باد حزب.

۱۷-به نام انسان که اساس سوسیالیسم است،

به سوسیالیسم که بازگرداندن آزادی به انسان است،
به نام آزادی و انقلاب،
به نام زن، زندگی، آزادی
و برای یک دنیای بهتر

و به یاد هزاران گُل پرپرشده در راه برپایی جهانی شایسته ی زندگی و با یاد گرامی منصور حکمت، سی و پنجمین سال تاسیس حزب کمونیست کارگری را به رهبری، کادرها، اعضا و دوستداران حزب و همه ی آزادیخواهان، کارگران، زنان، دانشجویان، بازنشستگان و همه ی کسانی که قلبشان برای آزادی و برابری و جهانی عاری از فقر و ستم و تبعیض و جنگ و اعدام و شکنجه و نابرابری می‌تپد.

چند سال است که تولد حزب کمونیست کارگری ایران با عروج یک انقلاب فراگیرِ مردمی و اجتماعی همراه شده است؛ عروج مطالبات برحق و اجتماعی که از بستر مبارزه و خون برخاسته و فریاد دادخواهی آن مانندِ انقلاب مهسا، جهان را درنوردیده و می‌رود تا الهام بخشِ جنبش های اجتماعی شود. الهام بخش جنبش های نه به نابرابری، نه به جنگ، نه به سرکوب، نه به اعدام که قتلِ عمدِ دولتی است.

سالگرد حزب، یادآور تلاش های شبانه روزی صدها کادر و عضو و فعالین سوسیالیست و آزادی خواه است که رهایی انسان را از ستم طبقاتی، برنامه ی خود قرار داده اند.

ما براین باوریم که کارگران و زحمتکشان و زنان و جوانان و کودکان و همه ی نوَد و نُه درصدی های جامعه با برنامه های روشن حزب ما می‌توانند و باید بر نابرابری و بیدادگری و جنگ و فقر و گرانی و همه ی مصیبت های ناشی از سرمایه داری فایق شوند.

زنده باد سوسیالیسم
زنده باد انقلاب
زنده باد حزب کمونیست کارگری ایران
آبان ۱۴۰۵
مهراب دشتی

--

۱۸- سالگرد حزب را تبریک میگویم

من شبنم دختر موتور سوار یکی از اون دخترایی هستم که با دوست پسرم به خیابان آمدیم و با ویراژ گشتی های حجاب را سرگردان و حیران کردیم. از شما چه پنهان صدای خوبی هم دارم و گاها عشقم بکشد کنار خیابان آوازی میخوانم و عده ای هم برایم کف میزنند. آخر بار بهم گیر دادند اما قسر در رفتم. ما زیادیم و این به من دل و جرات میدهد. خود خیابان ما را تکثیر میکند. به آینده خیلی خوش بینم. چون خیلی ها مثل ما فکر میکنند.

من خوشبختانه در خانواده ای بزرگ شده ام بدور از هر گونه قید و بند مذهب. انسانهای طرفدار آزادی و برابری و عاشق انسانها و اینها اندوخته های من از این خانواده است. ما خانوادگی بیننده کانال جدید هستیم و دوستدار شما. زنده باد حزب کمونیست کارگری

۱۹-سی و پنجمین سالگرد تاسیس حزب را تبریک میگویم

من یک دادخواهم و شما را دوست دارم چون دردادخواهی حرف اول را میزنید. شما بودید که علیه کشتار دیماه خونین از دادخواهی 90 میلیون مردم دادخواه ایران گفتید و بر محاکمه قاتلین مردم تاکید کردید. بغض حمید تقوایی را هرگز از یاد نمی برم که وقتی در مورد این قتل عام صحبت میکرد صدایش میلرزید. من از شما نیرو و قدرت میگیرم. زنده باد حزب. زن زندگی آزادی.

محبوبه مادر دادخواه آبان98

۲۰-سالگرد تاسیس حزب را به خودم و به همه مردم تبریک میگویم

من کیان کارگر نفتم. سالگرد حزب است و سالگردی متفاوت از هر سال. یکی از سخت ترین سالها را پشت سر گذاشتیم. اما باور کنید که دراعماق جامعه طوفانی در حرکت است کوبنده تر از آنچه در انقلاب مهسا تجربه کردیم. و در آنچه که امروز در دنیا میگذرد. و در گفته های شما طعم شیرین رهایی را می چشم. به آینده امید دارم، و همه تلاشم این است که این امید را به انرژی مثبتی در پیرامونم تبدیل کنم. امیدوارم چون سرپناهی مثل حزب کمونیست کارگری را داریم. زنده باد سوسیالیسم. زنده باد حزب.

۲۱- سالگرد حزب مبارک باد
سالگرد حزبمان را تبریک میگویم

ادامه از صفحه ۲۰

پیام‌های تا کنونی به مناسبت سالگرد تاسیس حزب

من شایسته کارمند یک اداره هستم. قبلا هم به شما پیام داده ام. سالگرد تاسیس حزب را تبریک میگویم. برای اینکه من را بخاطر بیاورید من قبلا تن فروش بودم. اما گلیمم را از آب بیرون کشیدم ودانشگاه را به هر بدبختی بود تمام کردم و کاری گیر آوردم و الان شاغلم. اطاق در یک خانه از یک خانواده کرایه کرده بودم. از طریق آنها کانال جدید را پیدا کردم و شدم بیننده برنامه های شما. از طریق همین دوستان عزیز تر از جانم کاری پیدا کردم و زندگیم روالی پیدا کرده. حرفهای شما همیشه برایم راهگشا بوده. دوستتان دارم. به امید پیروزی

۲۲- پیام کاوه یک رنگین کمانی

سالگرد تاسیس حزب را به همه شما عزیزان تبریک میگویم

من یک فعال رنگین کمانی هستم. سالهای سختی از اعتراض را پشت سرگذاشتم. فقط به جرم رنگین کمان بودن. اما دیگر این حکومت نیست که زندگی ما را رقم میزند. یک دستاورد ما اینست که ما الان از طرف مردم دیده میشویم. انقلاب زن زندگی آزادی زندگی ما را متحول کرد. همین جا جا دارد از تلاشهای کانال جدید و سازمان جوانان کمونیست و رژه افتخار پرایدشان قدردانی کنم. فقط میخواهم بگوییم زن ، زندگی ، آزادی. نه به اعدام ، نه به زندان

۲۳-فریبا از خوزستان: سالهاست که عضو حزب هستم. سیاستهای روشن حزب در مورد روند اوضاع سیاسی همیشه چراغ راهم بوده و مباهات کرده ام. روشن است پشت این سیاستها تبیین و تئوریهای روشنی نهفته است. اما آنچنان درگیر در مسایل سیاسی روز هستید که باید بگویم دست مریزاد، و متاسفانه فرصتی برای مکتوب کردن این تئوریها و تبیین ها برایتان نمانده است.

دوستان ! مبارزه طبقاتی در دنیای امروز پیچیده است. خیلی اوقات همین اکتیویست ها و فعالین کارگری – اجتماعی که نقش کلیدی ای در رهبری اعتراضات مردمی دارند و اتحاد مبارزاتی آنها با هم همواره مورد تاکید شما بوده است، بخاطر پاسخ نداشتن به معضلات پیش رو این سو و آن سو کشیده میشود. حزب در قبال رفع این مشکل نیز مسئولیت دارد. باید دنیای وارونه امروز را تبیین کرد و تصویر روشن تری از پیروزی داد. حزب به کار تئوریک بیشتری نیاز دارد.

۲۴-رها معلم هستم. سالهاست عضو حزب هستم. یک حزب امیدوار و با نقشه. حزبی که گویی نقشه تمام راه را میداند و پیگیرانه خطی را جلو برده است و حرفها و گفته هایش به شعار کف خیابان و به چراغ راه ما تبدیل شده است. از انقلاب زنانه سخن گفتید و در ادامه سالها جنگ و تلاش انقلاب مهسا را با شاه کلید " زن زندگی آزادی" داشتیم و انقلاب زنانه تاریخ بشریت نام گرفت. گفتیم اعدام قتل عمد دولتی است و اکنون به گفتمان یک جامعه تبدیل شده است. و وقتی تحرکات جریانات راست و سلطنت طلب بالا گرفت، بر اتحاد و تمام قدرت بدست مردم تاکید کردید. من هم عضوی از همین حزب هستم . زن زندگی آزادی

۲۵- بی مقدمه

سالروز تشکیل حزب را به همه رفقا تبریک میگم

ایرانِ در بحرانی در حال انفجار : از خشم پدری که کودکش از عقرب گزیدگی به خاطر نبود امکانات جان باخت ؛ تا خشم کارگران و بازنشستگانی که درخیابان شهرها که با فریاد : خیابان سنگر زحمتکشان است؛ سرود زندگی می خوانند و نه به اعدام می گویند و آزادی زندانیان را مطالبه می کنند .

تا خشم جوانان درخیابان های تهران " خیابان ایرانشهر و ..." در جشن هالوین .

تا خشم پشت دیوارِ خانه ها و کشتن زنان به دست همسر.و پدر و برادر و در غیاب قانونی که حامی زن در جامعه باشد " زنان علیه حجاب اجباری " و ... که همه ریشه در فقر و بیکاری و تورم و گرانی در حاکمیت بورژوازی دارد ؛ که جامعه را دربحران جو روانی سقوط داده و متاسفانه میزان تحمل جامعه را بسیار از حد انتظار پائین آورده است " هشدار روانشناسان"

تا احضار دختری که فقط فقرش را ؛ ناتوان بودن از تهیه دارو برای مادر سرطانی اش را رسانه ای کرده است .

و تا پشت کارگرانی که به خاطر اعتراض به اخراج از کارخانه به دست نوکران سرمایه شلاق ؛ زخمی و مجروح شده اند .

تا کودکان پا برهنه و انگشتان مجروح وگرسنه ؛ گاها بی هویت و شناسنامه در مناطقی محروم از حداقل امکانات زندگی ولی خوابیده روی ثروتی عظیم معادنی چون طلا و ... .

از هر زاویه ای که به ایران بحران زده نگاه کنیم ؛ جای خالی یک زندگی توام با رفاه و بدون دغدغه را می بینیم . ایران اسیر در چنگال سرمایه .

این تصویری است از گوشه به گوشه ایران بحران زده غرق در فلاکت که من بدون دوربین آن را توصیف و عکاسی کردم .

در چنین اوضاعی ما زندگی می کنیم که بورژوازی حاکم در سایه جو رعب و بگیر و ببندها و زندان و اعدام تداوم حکومتش را طولانی تر کرده است .

جایگاه حزب کمونیست کارگری را در این جو میلیتاریستی در کف خیابان می بینم وقتی:

صدای : "معیشت ؛ منزلت ؛ سلامت"، "درمان رایگان حق ماست"، "اجرای تحصیل رایگان"، "خیابان سنگر زحمتکشان و ... در هر هفته در بسیاری از شهرها توسط کارگران و بازنشسته در میدان جامعه ؛ کف خیابان فریاد زده می شود .

رفقا ؛ شاید به خاطر فضای امنیتی نامی از حزب برده نشود ولی پلاتفرم های حرکتی ؛ مواضع حزب ، تحلیل های حزب توسط اکتیو ها به خیابان برده می شود ؛ این است که کاروان نمی ماند .

من خودم با برداشت مطالب یک دنیای بهتر زنده یاد رفیق منصور حکمت هر کجا باشم صحبت می کنم و جالبه که همه نه تنها تائیدم می کنند بلکه می گویند : این حرف دل ماست .

در سالروز حزب جای رفقای جان باخته و منصور حکمت گرامی

به امید پیروزی

پیروزی از آن ماست

رها آزادی ، معلم

۲۶-جمعی از فعالان و دانشجویان مبارز داخل کشور

از قلب ایران از میان اعتصابات کارگری، اعتراضات دانشجویی و مبارزه روزمره در کف خیابان گرم ترین درود های ما مبارزان و دانشجویان داخل کشور را بپذیرید.

در این برهه حساس که جامعه ما زیر فشار سنگین بحران اقتصادی و سرکوب قرار دارد و در شرایطی که تحولات اخیر و جنگ آمریکا و اسرائیل با جمهوری اسلامی اوضاع را پیچیده تر و مخاطره آمیزتر کرده است ما خط مستقل خود را گم نکرده ایم. برای ما نه سرکوب حاکمیت و نه جنگ و مداخله قدرت ها هیچکدام پاسخی به خواسته های مردم نیستند. راه نجات جامعه متکی بر قدرت آگاهانه جنبش های اعتراضی از پایین است.

در این مسیر پیچیده بازتاب رسا و همگامیِ حزب کمونیست کارگری ایران با خواسته های جنبش کارگری، دانشجویی و جنبش های اجتماعی داخل همواره صدایی مؤثر و سنگری ملموس برای ما بوده است. تلاش های حزب در بین المللی کردن صدای خیابان‌های ایران و افشای ستم نشان دهنده اهمیت این پیوند حیاتی است.

سالگرد تاسیس حزب را به همگان تبریک می گوییم. ما بر تعمیق این همبستگی و همراهی تنگاتنگ برای نیل به جامعه ای آزاد برابر و انسانی تاکید داریم.

دست در دست هم برای تحقق آزادی و برابری

شماره‌حساب و تلفن‌های تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden

Nordea Plusgirokonto: 4122379-3
Bankkontonummer: 9960264 1223793
IBAN: SE1095000099602641223793
BIC: NDENSESS

آلمان:

Germany
Name: M. Eli
Bankverbindung: Postbank
IBAN: DE86 1001 0010 0585 5421 23
BIC/SWIFT: PBNKDEFF

شماره‌حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

انگلیس:

Bank: NatWest
Account holder: WPI
Account number: 45477981
Sort code: 60-24-23
IBAN: GB77NWBK60242345477981
BIC: NWBKGB2L

سؤالی دارید می‌توانید با شماره‌های زیر تماس بگیرید:

تماس از خارج

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از آمریکای شمالی:

بابک یزدی: ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: سیاوش آذری
ادیتور: کاظم نیک خواه
مسئول فنی: بابک یزدی

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

انترناسیونال هر هفته شنبه‌ها منتشر می‌شود





مشخصات فنی تلویزیون کانال جدید

یوتل‌ست
فرکانس ۱۱۳۸۷
افقی ۲۷۵۰۰

ترکمن عالم
(جهت یاه‌ست)
فرکانس ۱۰۸۴۵
عمودی ۲۷۵۰۰
اف ای سی ۲/۳

KANAL JADID
کانال جدید